

خواص درمانی - میوه گیاه بوی خوب و طعم نسبتاً شیرین دارد. ملین، بادشکن، مقوی - معده، نیرودهنده، مدر، قاعده آور و مقوی کبد است. مصرف آن موجب کم شدن التهاب و درد می گردد. در درمان لمباگو می تواند مؤثر واقع شود (yunani).
ریشه گیاه، خارش را تسکین می دهد و بعلاوه قاعده آور است و چنین شهرت دارد که با مصرف آن، خروج نوزاد تسهیل می گردد.
برای دانه گیاه اثر مقوی بیه ذکر شده است (Balfour).

محل رویش: آذربایجان: ۳۵ کیلومتری ارومیه به سمت Sero در ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۰ متری، قوشچی بین شاهپور و ارومیه در ۱۶۰۰ تا ۱۸۵۰ متری. همدان: کوه الوند در ۲۴۵۰ متری. اراک. اصفهان، بین اصفهان و آباده در ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متری. لرستان: خالی کوه در ۲۳۰۰ تا ۲۸۰۰ متری، اشتران کوه. فارس: شمال غربی تخت جمشید، کوه ایوب در ۱۷۰ متری، کوه بامو Bamu نزدیک شیراز، کوه سبزپوشان، کوه دینار. مرکز ایران: قزوین در ۸۰ کیلومتری شمال شرقی کرج در ۲۱۰۰ متری. شاهرود - بسطام، شمال شرقی قلعه بالا در ۱۵۰ متری.

Foeniculum vulgare Mill.

F. capillaceum Gilib. ، *F. officinale* All.

Anethum Foeniculum L. ، *Meum foeniculum* Sp.

فرانسه : Anis doux ، Aneth doux ، *F. commun* ، Fénoüil officinal ، Fénoüil

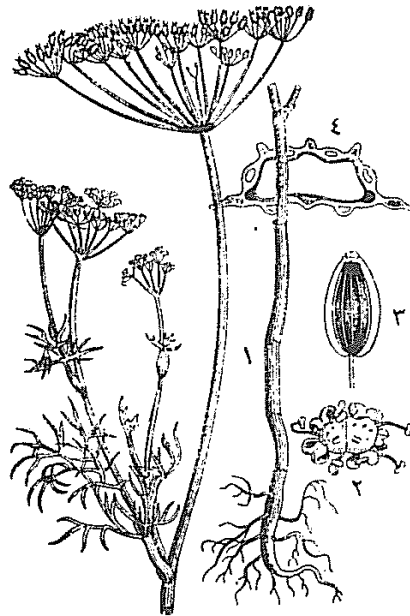
انگلیسی : Fennel آلمانی: Gartenfenchel ، Fenchel ایتالیایی: Finocchio ، *F. agro*

فارسی : رازیانه - عربی : شمر (Chamar) ، شمار

گیاهی علفی، معطر، به ارتفاع ۱ تا ۲ متر و دارای برگهایی با پهنک منقسم به قطعات نازک و نخی شکل است. به حالت وحشی، به صورت گیاهی چندساله است ولی اگر پرورش یابد، دارای وضع دو ساله می شود. پراکنندگی آن به صورتی است که بر اثر کشت های مداوم، تدریجاً حالت خودرو یا نیمه وحشی پیدا نموده در وسعت های پهناوری از اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه تا آسیا و ایران نفوذ یافته است. بر روی شاخه های منشعب آن، خطوط طولی مشخص تشخیص داده می شود. دمبرگ برگهای آن نیز در فاصله معینی از ساقه، حالت غلاف مانند پیدا می کند.

ظاهر کلی رازیانه مخصوصاً از نظر نوع برگ، بی شباهت به شوید نیست ولی بوی معطر و مطبوع و ساقه مرتفع و ریشه ضخیم گیاه به سهولت آنرا از شوید متمایز می سازد. گل های آن زرد.

رنگ و مجتمع به صورت چتر مرکب است. اشعه چترهای آن بلند و شامل پایه های ناساوی است بطوری که تعداد آنها به ۱۵ نیز می رسد. پهنای گل آذین چتری آن، در حدود ۱۵ سانتیمتر است. میوه آن کوچک، به طول ۲ تا ۱۲ و به عرض ۲ تا ۴ میلیمتر و دارای بوی معطر است. قسمت مورد استفاده رازیانه، ریشه، برگ و میوه آن است ولی معمولاً کلیه قسمتهای گیاه مورد استفاده قرار می گیرد.



ش ۱۵۷ - *Foeniculum vulgare* : ۱ - دو قسمت از یک گیاه کامل ۲ - گل

۳ - میوه ۴ - برش میوه

ریشه رازیانه، ضخیم، دو کی شکل، به رنگ نایل به سفید و دارای بوی معطر و مطبوع است. برای استفاده از آن پس از خارج کردن ریشه از زمین باید آنرا به خوبی شسته به قطعاتی تقسیم نمود و سپس خشک کرد تا همیشه در معرض استفاده قرار داشته باشد.

برگ رازیانه را معمولاً به حالت سبز و پس از نمو کامل از گیاه می چینند و به همان حالت مصرف می نمایند.

میوه رازیانه (دانه)، ظاهری باریک، دراز و استوانه ای دارد. ابعاد آن بر حسب محل

رویش گیاه تفاوت می‌نماید. سطح آن بی کرک، شیاردار، به رنگ سبز روشن و گاهی نیز در بعضی نمونه‌ها، زرد روشن است. دومریکاپ (نیمه فندقه) آن، ارتباط کم باهم دارند بطوری که گاهی اوقات به صورت جدا شده از هم در می‌آیند.

طعم آن معطر، کم و بیش شیرین، بوی آن ملایم و به حالت تازه ناپسنداست. وارسته‌های وحشی آن میوه‌ای با طعم تلخ دارند.

ترکیبات شیمیائی - میوه رازیانه دارای ۱۰ تا ۱۲ درصد ماده روغنی است که آن هم در لپه‌های دانه ذخیره گردیده است. بعلاوه شامل کمی ماده قندی، موسیلاژ و اسانس به مقدار ۶ تا ۶ درصد می‌باشد.

مقدار درصد اسانس و ترکیب مواد متشکله آن بر حسب محل رویش گیاه فرق می‌کند. روغن حاصل از میوه رازیانه، حالت روان، رنگ سبز تیره و بوی مخصوص رازیانه را دارد. در گرمای پائین صفر درجه انجماد حاصل می‌کند. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۰ درجه بین ۰.۹۳۰ و ۰.۹۳۱ ر. ، اندیس انکسار آن در گرمای ۳۰ درجه معادل ۱.۱۴۷۹۰ ، اندیس صابونی شدن آن بین ۱۸۱ و ۱۸۴ و اندیس ید آن ۷۹ تا ۷۷ است.

روغن حاصل از میوه رازیانه، دارای اسید پالمیتیک (۴ درصد) و اسیدهای اولئیک (۲۲ درصد) ، اسیدلینولئیک (۱۴ درصد) و اسیدپتروسه‌لینیک (ac. petroselinique) (۶ درصد) است (Mensier, P. H. p.p. 244 - 245, 1957).

اسانس رازیانه که از میوه آن به وسیله تقطیر با بخار آب حاصل می‌شود، مایعی سیال، دکستروژیر، بیرنگ یا به رنگ زرد پریده و دارای واکنش خنثی در مقابل تورنسل است. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۰ درجه بین ۰.۹۰۰ تا ۰.۹۸۰ ر. (بر حسب محل رویش گیاه) است. اسانس رازیانه در هم حجم خود الکل ۹۰ درجه ولی در ۸ برابر حجم خود، الکل ۸۰ درجه حل می‌شود. در آب، به مقدار بسیار کم محلول است. قابلیت انحلال آن در کلروفرم و اتراخیلی زیاد است.

بو و طعم آن ملایم و معطر است. بر اثر کهنگی و به سرور زمان، رنگ قهوه‌ای مشخص پیدا می‌نماید. از اینجهت باید در ظروف کاملاً در بسته ، در محل خنک و همچنین دور از نور و روشنائی نگهداری شود.

اسانس رازیانه دارای آنتول anéthol به مقدار ۰.۵ تا ۰.۷ درصد، استراگول estragol، متیل اوژنول methyleugénol ، الدئید و استن آنیزیک aceton anisique ، فنون راست (d - fénone) به مقدار ۰.۱ تا ۰.۲ درصد ، کامفن Camphène ، دیپانتن dipenthène (فرم راسمیک لیمونن) ، آلفا فلاندرن α Phellandrène و غیره است.

در ریشه رازیانه ، وجود کومارین ها Coumarines (اوبیلی فرون ombelliférone و برگاپتن bergapthène) محقق شده است (Actualité. pharm. N. 214, act. 1984).

استراگول Estragole (متیل اترکاوای کول chavicol methyl ether ، اسدراگول esdragol) ، به فرمول $C_{11}H_{14}O$ و به وزن ملکولی ۱۴۸.۲۰ است. استراگول علاوه بر رازیانه، در اسانس ترخون که گیاهی به نام *Artemisia Dracunculus L.* (از تیره Compositae) است نیز وجود دارد و توسط Grimaux استخراج شده است (۱). در اسانس گیاهان دیگر نیز یافت می‌شود.

استراگول دارای حالت مایع، بوی انیس و طعم گرم می‌باشد. در گرمای ۲۱۰-۲۱۶ درجه می‌جوشد و اگر اکسیده شود، تجزیه حاصل می‌کند و از آن، اسید متوکسی فنیل استیک (ac. methoxyphenylacetic) یا اسید هموآنیزیک (ac. homoanisique) حاصل می‌شود (Reutter, p. 597).

استراگول، در الکل و کلروفرم محلول است.

فلاندرن phellandrène ، به فرمول $C_{11}H_{14}$ ، به وزن ملکولی ۱۳۶.۲۳ و دارای دو نوع آلفا و بتا است.

آلفا - فلاندرن ، از اسانس گیاهان مختلفی مانند انواع زیر به دست می‌آید :

- ۱- از فرم لوژیرواسانس اوکالیپتوس *Eucalyptus dives Schau* از تیره Myrtaceae
 - ۲- phellandra B. & Smith. (2) — — —
 - ۳- از فرم دکستروژیراسانس *Foeniculum vulgare Mill.* (3) Umbelliferae — — —
- آلفا - فلاندرن، توسط Read و Storey سنتز شده است (4) .
- بتا - فلاندرن از *Oenanthe aquatica (L.)* (phellandrium aquaticum L.) (فرم دکستروژیر اسانس) استخراج شده است (5) .

آلفا - فلاندرن و بتا - فلاندرن، هر یک دارای فرم‌های دکستروژیر ، لوژیرو و حالت مایع و روغنی می‌باشند. در آب غیر محلول اند ولی در اتر حل می‌شوند.

1 - Grimaux, Bull. Soc. Chim. 3, 11, 34 (1894).

2 - Smith et al., J. Chem. Soc. 123, 1657 (1923).

3 - Wallach, Ann. 336, 9 (1904).

4 - Read, Storey, J. Chem. Soc. (1930), 2270

5 - Berry et al., J. Chem. Soc. (1937) 1448.

آلفا - فلاندرن ، از راه پوست بدن جذب می‌گردد و ایجاد حالت تحریک می‌کند و اگر مصرف شود، استفراغ و اسهال تولید می‌نماید.

فنون ، Fénone ماده‌ای است سنتی به فرمول $C_{10}H_{16}O$ ، شبیه کافور که دو نوع از آن، یکی نوع راست (در رازیانه) و دیگری نوع چپ (در Thuya) وجود دارد. مایعی است روغنی، بیرنگ، با بو و طعم ناپسند و کافوری که فنکون (1) fenchone نیز توسط Wallach نامیده شده است (Planchon - Bretin, p. -1526).

فنکون-راست (d-Fenchone) از نظر اختصاصات درمانی، دارای اثر ضد تحریک است.

اسانس رازیانه را گاهی بطور تقلبی، عاری از اتول می‌کنند. نوع مرغوب آن باید در هم حجم خود الکل ۹۰ درجه حل گردد.

تاریخچه دیوسکورید، برای رازیانه، اثر زیاد کننده ترشحات شیر، مقوی معده، قاعده آور و مدر قائل بوده بعلاوه شیره گیاه را برای چشم مفید می‌دانسته است. پلین (Pline) ، عقاید دیوسکورید را درباره آن قائل بود و حتی در آثارش، افسانه قدیمی مربوط به اینکه مارها در زمان پوست‌اندازی، چشمان خود را با مالیدن به رازیانه اثر تقویت کننده نیروی بینائی قائل بودند و روی این اصل بود که مردم برای رازیانه اثر تقویت کننده نیروی بینائی قائل بودند و حتی هنوز هم که قرنها از آن روزگار می‌گذرد، مردم بدان معتقد می‌باشند. جالینوس حکیم از مصرف آن در تهیه اغذیه، صحبت به میان آورده است. در قرن پنجم برای آن اثر مسکن سرفه قائل بودند. در قرون وسطی که پراکنندگی رازیانه در نواحی مختلف مخصوصاً اروپا، توسعه زیاد داشته از آن برای مصارف طبی و تغذیه، استفاده زیاد بعمل می‌آمده است و حتی در صومعه‌ها و یاغها، پرورش می‌یافته است. تدیجاً پرورش آن در غالب باغهای سلطنتی معمول گردید. در قرون ۹ تا ۱۴ میلادی، برای آن صفات درمانی عدیده قائل بودند و حتی آنرا در مداوای بیماریهای روانی مؤثر می‌دانستند. استفاده‌های درمانی رازیانه از قرن ۱۸ به بعد وارد مرحله جدی تر گردید و تا زمان حاضر، مورد بررسی‌های عدیده قرار گرفت.

خواص درمانی- قسمت‌های مختلف رازیانه دارای مصارف درمانی متعدد به شرح زیر است.

ریشه رازیانه، اثر مدر قوی دارد. اوره و اسید اوریک را دفع می‌کند، بعلاوه اشتها آور و قاعده آور است.

۱- رجوع شود به Lavandula Stoechas (از تیره Labiatae).

ریشه رازیانه به علت مدر بودن، در موارد کمی دفع ادرار، سنگ کلیه، نفرت و بیماری‌های نظیر آن مصرف می‌شود. از ریشه آن وریشه چهار گیاه دیگر به نامهای Ache (1)، مارچوبه، جعفری و Petit houx (2) ، شربت مدر به نام **شریت پنج ریشه** تهیه می‌گردد.

برگ رازیانه و کلیه قسمت‌های گیاه اگر به مقدار زیاد مصرف شود، اثر قاعده آور ظاهر می‌کند.

میوه رازیانه، اثر نیرو دهنده، مقوی معده، اشتها آور، آرام کننده، قاعده آور، زیاد کننده ترشحات شیر و باد شکن دارد.

اگر مصرف میوه رازیانه به منظور زیاد کردن ترشحات شیر باشد، باید به تناسب اینکه زنان شیرده تا چه حد تحمل مصرف آنرا داشته باشند، متفاوت دم کرده ۴ تا ۱۰ گرم و یا ۶ تا ۱۰ گرم میوه را بکار برند.

اثر نیرو دهنده و مقوی معده رازیانه (میوه)، از سایر گیاهان تیره چتریان زیادتر است و بر آنها مزیت دارد.

در استعمال خارج، جوشانده‌های آن به صورت غرغره، اثرات خوب در رفع درد گلو و گرفتگی صدا ظاهر می‌نماید.

جوشانده حاصل از کلیه قسمت‌های گیاه اگر به حالت گرم بر روی پستان زنان شیرده اثر داده شود، از جمع شدن شیر در پستان و انسداد مجاری شیر جلوگیری بعمل آورده رفع التهاب و ناراحتی می‌کند.

لوسیون‌ها یا جوشانده و یا تنطور رقیق شده آن با آب مقطر و حتی بخاراتی که از جوشانده آن متصاعد می‌گردد، اثر مفید در رفع ورم ملتحمه چشم دارد.

اعراب، آب مقطر رازیانه را از داروهای مؤثر مقوی بام می‌دانند.

در **دامپزشکی**، از گرد دانه رازیانه (میوه) در مصارف داخلی و استعمال خارج استفاده بعمل می‌آورند. گرد رازیانه در فرمول‌های اشتها آور، هضم کننده و زیاد کننده شیر وارد گردیده به بز و حیوانات شاخدار داده می‌شود.

جوشانده آن به منظور رفع سوء هضم و نفخ، به حیوانات خورنده می‌شود.

باقیمانده عمل تقطیر یعنی تقاله‌ای که به جای می‌ماند، پس از خشک شدن، غذای

۱- گیاهی به نام Apium graveolens و از تیره چتریان که شرح آن در صفحات قبل این کتاب داده شده است.

۲- گیاهی به نام Ruscus aculeatus و از تیره مارچوبه Asparagaceae است.

خوبی برای حیوانات است زیرا دارای ۱۴ تا ۲۲ درصد مواد پروتیدی و ۱۲ تا ۲۰ درصد مواد چرب است.

صور داروئی - دم کرده ریشه (ریشه تازه برخشک مزیت دارد) به مقدار یک قاشق سوپخوری برای یک فنجان، به عنوان مدر بکار می رود مشروط بر آنکه مدت دم کردن از یک ربع ساعت تجاوز نکند. از ریشه رازیانه نوعی شراب مدر با افزودن ۲ تا ۳ گرم ریشه در یک لیتر شراب سفید تهیه می شود. به دم کرده قبلی که به عنوان مدر به کار می رود، می توان به همان مقدار ریشه و دانه جعفری و همچنین *Herniaria glabra* نیز اضافه نمود.

دم کرده یک قاشق قهوه خوری میوه نیمکوب رازیانه برای یک فنجان بعد از هر غذا به عنوان بادشکن مصرف دارد. از میوه رازیانه نوعی شراب مقوی با افزودن ۲ تا ۵ گرم میوه به یک لیتر شراب نیز تهیه می گردد. در تهیه این شراب، مدت خیساندن میوه در آن باید ۸ روز باشد. مقدار مصرف این شراب مقوی نیز یک فنجان کوچک محتوی ۷ سانتیمتر مکعب بعد از هر غذاست.

برای رفع سرفه و آسم، یک قاشق قهوه خوری میوه نیمکوب را در یک فنجان آب جوش ریخته، مدت ۱ دقیقه دم می کنند و سپس عسل بدان اضافه کرده مصرف می نمایند.

برگ رازیانه به صورت دم کرده ۳ در هزار و به مقدار یک لیوان متوسط بعد از هر غذا به عنوان مقوی، مقوی اعصاب و هضم کننده مصرف می شود. وارد کردن بخارات حاصل از جوشاندن برگ، ریشه و میوه رازیانه (دانه) که کمی اسانس رازیانه بدان افزوده باشند به مجرای گوش، اثر مفید در تقویت شنوائی دارد و در درمان کری، مفید واقع می شود.

اسانس رازیانه را می توان به مقدار ۱ تا ۵ قطره، مخلوط در عسل و ۲ بار در روز مصرف نمود. برای این کار، قطرات اسانس را در یک قاشق قهوه خوری با عسل به خوبی مخلوط نموده سپس آنرا در نصف لیوان آب حل می کنند تا خوردن آن آسان تر شود.

میکستور ضد نفخ :

تنطور زیره سیاه، تنطور آنزلیک، تنطور رازیانه و تنطور گشنیز را بمقدار گرم از هر یک در ظرفی ریخته باهم مخلوط می کنند سپس معادل ۵ قطره آنرا در آب یا در مقدار کمی چای رقیق وارد نموده بعد از هر غذا میل می کنند.

گرد دندان با اثر تقویت کننده لثه ها:

گرد میوه رازیانه را باید باهم وزنش زغال چوب سفیدار و گرد پوست کنکینای خاکستری مخلوط نموده به ملایمت بر روی دندان ها و لثه ها بسواک کرد.

باید توجه داشت که مصرف مقادیر زیاد رازیانه، اثر تشنج آور (به خلاف انیسون یا رازیانه رومی) دارد. مصرف اسانس آن در حیوانات، باعث ترسو شدن آنها می شود. از رازیانه سابقاً به منظور خنثی کردن سموم حیوانات در مبارزه با گزیدگی و گزش عقرب استفاده به عمل می آمد (مردم چین و هند) بعلاوه محلول های آن جهت درمان بیماریهای التهابی چشم و همچنین به عنوان یک داروی لاغر کننده به کار می رفت.

وجود مقدار زیاد آنتول در اسانس رازیانه باعث گردیده که این ماده از اسانس مذکور برای مصارف مختلف استخراج شود. آنتول که علاوه بر اسانس رازیانه، از بادیان (بادیان ختائی) *Pimpinella Anisum L.* و *Illicium verum Hook. f.* نیز استخراج می شود، جهت معطر ساختن نوشابه های مفرح غیر الکلی و لیکورها به کار می رود.

آنتول، اثر فعال کننده مراکز عصبی مغزی را دارد و اگر نوشابه محتوی آن، غیر الکلی باشد و در مصرف آن زیاده روی به عمل نیاید، زیانی نخواهد داشت. مقادیر مصرفی آن برای اشخاصی به وزن ۶۰ کیلوگرم، معادل ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلی گرم در روز است (۱).

دم کرده مدر

مخلوط ریشه گیاه زیر (*Espèces diurétiques*): به نام پنج ریشه مدر در کتب داروئی موسوم است:

از ریشه خشک رازیانه، کوله خاس (*Ruscus aculeatus*)، کرفس، مارچوبه و جعفری (به مقدار مساوی از هر یک)، صورت دم کرده ۲ در هزار تهیه کرده جهت زیاد شدن حجم دفع ادرار، در بیماریهای عفونی، دفع رسوبات ادراری و ناراحتی های کلیه استفاده به عمل می آورند. این فرمول قدیمی، در کتب داروئی مختلف وارد است و مدت هاست که مورد استفاده مردم کشورهای مختلف قرار می گیرد.

دم کرده جهت رفع ناراحتی های سیگرن (مراجعه به پزشک ضروری است)

۳۰ گرم	Rosmarinus officinalis	} الف
» ۱۰	والرین (سنبل الطیب)	
» ۱۰۰	لاواند (^۲) <i>Lavandula vera</i>	
» ۱۰	میوه پیرو <i>Juniperus communis</i>	
» ۱۰	<i>Asperula odorata</i>	

1 - Delaveau P., les Actualités pharmaceutiques, N. 214, oct. 1984.

۲- انواع لاواند، بمنظور استفاده از آنها در فرمول های گیاهی در ایران پرورش می یابند.

۲۰ گرم	اکلیل الجبل	ب -
» ۱۰	سرشاخه برگدار یا گلدار بادرنجبویه	
» ۱۰	بنفشه معطر	
» ۱۰	Asperula odorata	
» ۱۰	پامچال Primula officinalis (۱)	
۱۰ گرم	اکلیل الجبل	ج -
» ۱۰	زیرفون Tilia cordata (۲)	
» ۱۰	رازیانه (دانه)	
» ۱۰	قنطاریون صغیر Centaurium minus	
» ۱۰	نعناع	
۲۰ گرم	بادرنجبویه (برگ، سرشاخه برگدار یا گلدار)	د -
» ۱۰	پامچال Primula officinalis	
» ۱۰	والرین (سنبل الطیب)	
» ۱۰	شاهپسند وحشی Verbena officinalis	
» ۱۰	لاواند Lavandula vera	

از هر یک از ۴ فرمول فوق، باید جوشانده ۰.۵ تا ۲ گرم در یک ونیم لیتر بطور جداگانه تهیه کرده و سعی نمود عمل جوشاندن تا تقلیل مایع به نصف، ادامه یابد. مقدار مصرف هر یک از جوشانده‌ها که به تناوب باید انجام گیرد (هر روز از یک نوع جوشانده استفاده شود)، چند جرعه در هر ساعت در موقع بحران بیماری است.

نسخه جهت رفع برونشیت مزمن (مراجعه به پزشک ضروری است)

۲ گرم	عصاره Cnicus benedictus
» ۲	— تاجریزی پیچ
» ۳۰	آبمقطر رازیانه
» ۴	— لوریه‌سریز (جل)

۱ - نوع داروئی پامچال در ایران نیست و بجای آن می‌توان از نعناع بهمان مقدار استفاده کرد.
۲ - زیرفون در بازارهای داروئی ایران یافت می‌شود.

مواد فوق‌رأباید مخلوط کرده بمقدار ۰.۵ تا ۲ قطره و ۴ مرتبه در شبانه‌روز جهت اشخاص بالغ مورد استفاده قرارداد (Dr. Valnet, Phyto. 1979).
اسانس رازیانه در فرمول بعضی از لیکورها، راتافیاها (Ratafias)، گرد دندان‌ها و غیره وارد می‌شود.

محل رویش: گرگان: حاجی‌لنگ در ارتفاعات ۲۰۰ متری، رحیم آباد بین فارسین و امام‌شهر (شاه‌پسند) در ۵۵۰ متری، تپه‌سراوه. سازندران: پنجاب در دره هراز در ۱۰۰۰ متری. آذربایجان: تبریز (پرورش یافته). کردستان: کوه شاهو، کوه kaliser در ۲۱۰۰ متری. کرمان: ده بکری (Deh Bekri) در ۱۹۰۰ متری. خراسان: ۸ کیلومتری شمال غربی علی-آباد بسمت اسفک Asfak در ۸۰۰ متری، گیلان، شمال تنجیل کنار رودخانه (دکتر صالحیان-عبدالعلی منتظر).

* Crithmum maritimum L.

Cachrys maritimum Spr.

فرانسه: Perce - pierre ، Passe - pierre ، Fénoeil marin

انگلیسی: Seebazilkraut ؛ آلمانی: Sea fennel ، Samphire

ایتالیائی: Frangisasso ، Finocchio marino ، Erba corda

عربی: قرن‌الایل (Qarn el uyal)، شمره بحریه (.... shamrah)

گیاهی گوشه‌دار، بخصوص نواحی شوره‌زار و سواحل اقیانوس اطلس است و از ایسلند تا جزایر قناری، در اراضی ساحلی بدان برخورد می‌شود. سابقاً در طبابت‌های قدیم رم و یونان، مورد استفاده قرار می‌گرفته است ولی امروزه از این نظر چندان مورد توجه نیست و فقط به علت معطر بودن، به عنوان چاشنی اغذیه به کار می‌رود. در اعضای مختلف این گیاه موادی مانند ید، برم، ویتامین C و غیره یافت می‌شود.

ساقه برگدار گیاه به مصارف تغذیه می‌رسد و برای اینکار آنرا مدتی در سرکه قرار می‌دهند و پس از آنکه طعم ترش و مطبوع پیدا کرد مصرف می‌نمایند. بررسی‌های F. Forde و Delepine، وجود مقدار ۰.۱ گرم اسانس را در هر ۱۰۰ کیلوگرم گیاه مذکور محقق داشته است. در سیوه گیاه مقدار زیادتری اسانس یافت می‌شود که شامل نوعی آپیول (ایزومر آپیول جعفری) می‌باشد (Parrot Em. p. 1647, 1944).

در ایران نمی‌روید.

Caucalis japonica Houtt. ، **Torilis japonica** (Houtt.) DC. گیاهی
 علفی، یکساله و دارای پراکندگی وسیع در نیمکره شمالی است ولی بیشتر در کشور کره یافت می شود.
 میوه اش اثر درمانی دارد و به عنوان مقوی و خلط آور مصرف می شود. از آن جهت درمان بواسیر، رفع
 اسپاسم های ناشی از دیسانتری استفاده به عمل می آید. در استعمال خارج، به علت دارا بودن
 اثر قابض به مصارف تهیه محلول های شستشوی واژن بمنظور درمان ترشحات مهلبی
 (Leucorrhée) می رسد.

ماده مؤثر میوه گیاه، کادی نین cadinène و توریلین toriline است بعلاوه مقداری
 اسانس در آن وجود دارد.
 محل رویش - گرگان: جنگل گلستان در ارتفاعات ۷۰۰ متری. گیلان: Achewlar.
 آذربایجان: حسن بگلو.

Peucedanum officinale L.

P. altissimum Desf. ، Selinum Peucedanum Crantz.

فرانسه : Peucedane ، Queue de porc ، Peucedan officinal ، Fénouil de porc
 انگلیسی : Echter haarstrang ، Saufenchel ؛ آلمانی : Sulphur wort ، Hog's fennel
 ایتالیائی : Cedano porcino ، Coda di porco ، Finocchio porcino ، Peucedano
 عربی : بخورالاکراد ، شمره الخنازیر

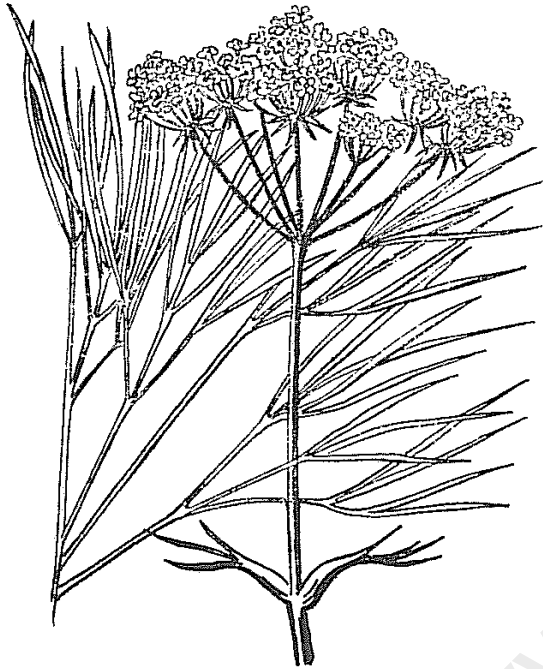
گیاهی است علفی، پایا، به ارتفاع ۶۰ سانتیمتر (در محیط های مساعد به ارتفاع
 ۲ متر) که در مزارع مرطوب، چمنزارها، جنگلها و گاهی در لای تخته سنگهای سواحل دریاها
 می روید. در نواحی مختلف اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه، آسیا و ایران نیز یافت می شود.

از مشخصات آن این است که ریشه ای تیره رنگ و گوشتدار و محتوی شیرهای روان دارد
 بطوری که برای مصارف درمانی معمولاً در بهار آنرا از زمین خارج کرده و تیغ می زنند و شیرها
 برای مصارف درمانی استخراج می کنند. ساقه آن شیاردار است. برگهایی با پهنک منقسم به تقسیمات
 باریک و دراز و نخعی شکل دارد. گلهای آن زرد رنگ و مجتمع به صورت چتر مرکب است. چتر -
 اصلی آن دارای اشعه ناساوی به تعداد نسبتاً زیاد و براکنه های کوچک و باریک و زودافت
 است. در پایه چترهای فرعی آن، براکنه هایی شبیه چتر اصلی دیده می شود. میوه آن مرکب از
 دو سربیکارپ بیضوی با کناره برجسته است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، ریشه آن است.

ترکیبات شیمیائی - ریشه این گیاه دارای ماده ای به نام پوسه دانین peucedanine
 به مقدار تقریباً ۲ درصد، اکسی پوسه دانین oxypeucedanine به مقدار ۳ تا ۵ درصد و
 اسانس به مقدار ۳ درصد است.

پوسه دانین Peucedanine، به فرمول $C_{15}H_{14}O_4$ و به وزن ملکولی ۲۵۸٫۲۶ است. از
 ریزوم گیاه مذکور استخراج شده (۱)، سنتز آن نیز در سال ۱۹۵۱ صورت گرفته است (۲).



ش ۱۵۸ - Peucedanum officinale : برگ و سرشاخه گلدار (اندازه تقریباً طبیعی)

پوسه دانین، به صورت بلوریهائی به رنگ مایل به زرد و به اشکال مختلف به دست می آید.
 نقطه ذوب آن، گرمای ۸۷ و ۹۷ درجه است. در آب غیر محلول و در بنزن و اتردو پترول به مقدار
 کم محلول است. در کلروفورم و سولفور دو کربن به مقدار زیاد ولی در الکل خیلی گرم و اثر -
 استیک، به مقدار کمتر حل می شود.

1 - Schaller, Am. 5, 201 (1833); Hlasiwetz, Weidel, ibid. 174, 67 (1874).

2 - Schmid, Ebnöther, Helv. Chim. Acta 34, 1982 (1951).

از نظر درمانی ، در پزشکی به طور تجربی ، به عنوان یک ماده جلوگیری کننده از رشد بافت های توموری ، مورد استفاده قرار می گیرد.

خواص درمانی - ریشه تیره رنگ این گیاه ، اثر ضداسکوربوت ، ضدنزله ، مقوی معده ، قاعده آور ، مدر و معرق دارد و سابقاً به منظورهای فوق مورد استفاده قرار می گرفته است. شیره تازه یا تغلیظ شده آن ، سابقاً در موارد قطع حالت قاعدگی زنان جوان ، صرع ، فلج ، اختلالات - عصبی و همچنین رفع نزله به مقدار گرم مخلوط در عسل ، بکار میرفته است.

محل رویش - نواحی غربی ایران ، سیلاخور (فلور ایران).

*** Peucedanum ostruthium (L.) Koch.**

Imperatoria ostruthium L.

فرانسده : Imperatoire ، Ostrute ، Aneth fétide ایتالیائی : Imperatoria

انگلیسی : Masterwort آلمانی : Echte meisterwurz عربی : بقلةالرئيس

گیاهی علفی چندساله ، با ساقه ای بلند و شیاردار ، به ارتفاع ۷۰ تا یک متر دارای بوئی معطر شبیه هویج و *Géleri* است. برگهائی منقسم به قطعات دنداندار با ظاهر بسیار زیبا و گلتهائی سفید یا صورتی و مجتمع به صورت چتر مرکب دارد. پایه های چتر اصلی آن شامل ۲ تا ۴ شعاع ناساوی و میوه اش به رنگ زرد مایل به قهوه ای و به ابعاد ۰۰۰۰۰ میلی متر است. کناره میوه آن ، ظاهری بال مانند و نازک به رنگ روشن دارد.

این گیاه در دشت ها ، چمنزارها ، جنگلها و کنار چشمه های نواحی مختلف اروپا در ارتفاعات بین ۱۰۰۰ تا ۲۷۰۰ متری می روید. در ایران دیده نشده است.

قسمت مورد استفاده آن ، ریشه معطر گیاه است که طعمی تند دارد.

ترکیبات شیمیائی - ریشه گیاه دارای امپراتورین *imperatorine* ، ایوزو - امپراتورین *oxypeucedanine* (به فرمول $C_{14}H_{16}O_6$) ، اوستروترین *Ostruthine* ، اوستول *osthol* ، اوستروتول *ostruthole* ، بمقدار ۰.۸ تا ۱ درصد اسانس (گاهی کمتر یا بیشتر) ، مرکب از کربوره های تریپنی (carbures terpéniques) و استرهای نخستین ترم اسیدهای چرب اشباع شده است (Dorvault, p. 812, 1982).

امپراتورین *Imperatorine* (آمیدین *ammidin* ، ماربه لوزین *marmelosin*) ،

به فرمول $C_{14}H_{16}O_6$ و به وزن مولکولی ۲۷۰.۲۷ است. از گیاهان مختلف منجمله انواع زیر استخراج شده است (۱) :



ش ۱۵۹ - *Peucedanum ostruthium* : ۱- سرشاخه گلدار - قاعده ساقه و ریشه (Hallier)

۱- از ریشه	<i>Peucedanum ostruthium</i> L. (۱)	از تیره Umbelliferae
۲- از دانه	<i>Archangelica officinalis</i> L.	— — —
۳-	<i>Pastinaca sativa</i> L.	— — —

همانندی آن با آمیدین ، توسط Abu - Shady, Fahmi (1948) و سنتز آن توسط Späth و Vierhapper (1937) صورت گرفته است.

اسپراتورین به صورت بلوریهایی سوزنی شکل در اثر ولی به صورت بلوریهایی سوزنی شکل نازک و دراز در آب خیلی گرم، به دست می آید. در گرمای ۱۰۲ درجه ذوب می شود. غیر محلول در آب ولی محلول در بنزن، الکل خیلی گرم، اتر، اتر دیپتزل و هیدروکسیدهای قلیائی است. در آب خیلی گرم بمقادیر خیلی کم حل می شود. انحلال آن در کلروفرم به مقدار زیاد صورت می گیرد.

اسپراتورین بعلت معطر بودن، به مصارف مختلف می رسد.

اوستروتول Ostruthole ، به فرمول $C_{17}H_{22}O_4$ و به وزن ملکولی ۳۰۶٫۳۹ است. از ریزوم *Peucedanum ostruthium* L. توسط Herzog و Koch استخراج شده است (1). تعیین فرمول نسبت آن توسط Späth و Christiani (1933) و سنتز آن توسط Dutta و Chatterjee (2) صورت گرفته است.

استروتول، به صورت بلوریهایی سوزنی ابریشم مانند، در بنزن به دست می آید. در گرمای ۱۳۶-۱۳۷ درجه ذوب می شود. به مقدار بسیار کم در آب یا اتر ولی به مقدار زیاد در الکل خیلی گرم، بنزن، تولوئن و پیریدین محلول است.

اوسترتین Ostruthine ، به فرمول $C_{19}H_{24}O_3$ و به وزن ملکولی ۳۰۷٫۳۷ است. از ریشه گیاه مذکور (3) و گیاهی از تیره Rutaceae به نام *Eriostemon tomentellus* استخراج و فرمول نسبت آن توسط Späth و Klages تعیین شده است.

استروتین به حالت متبلور در الکل به دست می آید. در گرمای ۱۱۷-۱۱۹ درجه ذوب می شود. عملاً در آب غیر محلول ولی در کلروفرم، استات اتیل و قلیائیات خیلی گرم حل می شود. استات آن، به صورت بلوریهایی ورقه مانند در الکل به دست می آید و در گرمای ۸۱ درجه ذوب می شود. این ماده مانند استروتین، در آب عملاً غیر محلول ولی در اتر، الکل، بنزن و کلروفرم حل می شود.

استول Osthol ، علاوه بر گیاه مذکور، از انواع زیر نیز استخراج شده است (4).

1 - Herzog, Koch, Arch. Pharm. 247, 553 (1909).

2 - Chatterjee, Dutta, Sci. Cult. 34, 460 (1968).

3 - Butenandt, Marten, Ann. 495, 187 (1932).

4- رجوع شود به بحث *Prangos pabularia* از تیره Umbelliferae.

۱- *Prangos pabularia* Lindl. از تیره Umbelliferae

۲- *Flindersia bennettiana* F. Muell. — Rutaceae

خواص درمانی- ریشه این گیاه اثر مقوی، مقوی معده، مدر، معرق، نرم کننده، بادشکن و ضد کرم دارد. در اختلالات هضمی، نفخ، زردی دختران جوان، ترشحات مهبلی، آسم سرطوب، آب آوردن انساج، سنگ کلیه، اسپاسم های رحمی و غیره مصرف می شود.

صور دارویی - دم کرده یا جوشانده ۱۰ تا ۳۰ در هزار به مقدار ۲ فنجان در روز-گرد ریشه به مقدار ۱ تا ۲ گرم به عنوان محرک و ۶ گرم به عنوان ضد کرم.

مصرف مقادیر زیاد آن ممکن است خطرناک باشد زیرا ایجاد خونریزی می کند.

این گیاه در ایران نیست.

Peucedanum palustre (L.) Moench. گیاهی علفی، ۲ ساله، دارای ساقه شیاردار و برگهای منقسم به قطعات باریک و نوار مانند است. ارتفاع ساقه آن، ۰٫۵ تا ۱ متر است و بر روی آن گل آذین چتر مرکب بزرگی ظاهر می شود که در انواع واقع در قسمت های فوقانی ساقه پایه های چتر اصلی، شامل ۲-۳ شعاع می باشد. در سردابهای نواحی شمال اروپا و در دشت های پوشیده از آبهای را کد مناطق شمالی و شرقی کشور فرانسه می روید. ریشه گیاه که تنها قسمت مورد استفاده آن است، حالت گوشه دار دارد و در آن، الیاف فیبر دراز و ضخیم دیده می شود.

سطح خارجی ریشه، به رنگ قهوه ای تیره ولی قسمت داخلی آن، سفید شیری است. بوی قوی و معطر و طعم سوزاننده و تند دارد و اگر خشک شود، بو و طعم خود را حفظ می کند. گرد ریشه خشک شده آن، به رنگ زرد روشن و مایل به خاکستری است.

ترکیبات شیمیائی- ریشه گیاه طبق بررسی های Pescher ، دارای اسانس، ماده روغنی، ماده صمغی ، یک ماده رنگی زرد و نوعی اسید آلی به نام *اسید سله لینیک* ac. sélinique است.

اثرات درمانی آن از نظر کلی، شباهت به *P. officinale* L. دارد. از قدیم الایام مورد شناسائی و استفاده مردم بوده است و از آن، جهت درمان صرع، دردهای عصبی و هیستری استفاده به عمل می آمده است. معمولاً گرد ریشه خشک شده آنرا در شربت ساده یا در آب بازمی کنند و به مقدار ۳ گرم در روز (در ۳ مرتبه) مصرف می نمایند. مقدار مصرف آنرا می توان در صورت ضرورت معادل یک گرم در روز افزایش داد. مقدار آنرا در هفته دوم، ۲ گرم و در هفته سوم، ۳ گرم در روز و بایشتر نیز می توان زیاد کرد تا نتیجه درمانی مورد نظر حاصل گردد مشروط بر آنکه، این افزایش، بی رویه انجام نگیرد.

مصرف آن برای اطفال ۷-۱۰ ساله، معادل $\frac{1}{3}$ تا $\frac{2}{3}$ مقادیر مذکور است. ازگرد ریشه، نوعی گرانول باقند می‌توان تهیه کرد (Mentel) به‌طوریکه هر ۵ گرم گرانول دارای ۲ گرم ازگرد ریشه خشک شده گیاه مذکور باشد. در ایران نمی‌روید.

از بین Peucedanum های داروئی که به‌صصاف درمانی مختلف می‌رسند به‌شرح مختصر چند نوع زیر اکتفا می‌شود(۱).

۱- *Selinum Cervaria L.* ، * **Peucedanum Cervaria (L.)** Lapayer

۲- *Athamanta Oreoselinum L.* ، * — — **Oreoselinum (L.)** Moench.

گیاهانی علفی، چندساله، دارای ساقه‌هایی به ارتفاع یک متر و حتی بیشتراند. هردوی آنها در دشت‌های خشک، جنگلهای کم درخت و در نواحی غیر مزروع می‌رویند و حتی در بعضی از مناطق مذکور به هردونوع آنها برخورد می‌شود. نوع اول از دو گیاه مذکور در زمین‌های آهکی و نوع دوم، در اراضی سیلیسی بهتر رشد می‌کند. برگهای قاعده ساقه آنها بزرگ و دارای ظاهر مثلث شکل است. پهنک برگهای آنها منقسم به برگچه‌های متعدد است. در نوع اول، کناره پهنک برگچه‌ها دندانانه‌های ریز و خارمانند دارد ولی در نوع دوم، دارای لوبهای کوتاه و دندانهای منتهی به ذرات کوچک کالوز است.

هر دو گیاه مذکور اعضای معطر دارند. در قسمت فوقانی ریشه آنها، مجموعه‌ای از الیاف باریک که بقایای برگهای از بین رفته است دیده می‌شود.

ترکیبات شیمیائی-ریشه گیاه دوم دارای آتامانتین *athamantine*(۲)، اسیدوالرینیک و اسانسی است که قسمت اعظم آنرا ترین‌ها تشکیل می‌دهند. ترکیبات شیمیائی نوع اول در مراحل بررسی‌های علمی قرار دارد.

خواص درمانی- اعضای هر دو گیاه مذکور، اثر مدر (Dodoens و Gilbert)، مقوی-معده (Schmiedel) و قاعده‌آور (Gilbert) دارد.

میوه و قسمت‌های سبز و مخصوصاً ریشه آنها به‌صصاف درمانی می‌رسد و از آنها جهت درمان آب آوردن انساج (hydropsic) ، نفرس، درد معده، اختلالات هضمی، رفع تب‌های نوبه و غیره استفاده به‌عمل می‌آید.

1 - Fournier P., Plantes médicinales et vénéneuses de France Vol. III, (1948).

۲- اختصاصات آتامانتین، در بحث *Ammi Visnaga Lam.* که گیاهی از تیره جعفری است شرح داده شده است.

هیچیک از دو گیاه مذکور در ایران نمی‌رویند (فلور ایران).
Peucedanum descurnum Max.: گیاهی علفی، پایا و مخصوص نواحی کوهستانی است. برگهای منقسم به برگچه‌ها و گل‌های کوچک به رنگ ارغوانی تیره و مجتمع به صورت گل-آذین چتری مرکب دارد. در چین و ژاپن می‌روید. ریشه‌اش به‌صصاف درمانی می‌رسد. ترکیبات شیمیائی-ریشه‌اش دارای گلوکزیدی به نام **نوداکه‌نین** *nodakenine* است.

نوداکه‌نین *Nodakenine* (نوداکه‌نتین گلوکزید *nodokenetin gucoside*)، گلوکزیدی به فرمول $C_{27}H_{44}O_9$ و به وزن سلکولی ۴۰۸٫۳۹ است. از ریشه گیاه مذکور توسط Arima (در سال ۱۹۲۹) استخراج شده، تعیین فرمول منبسط آن بوسیله Späth و Tyray انجام گرفته است.

نوداکه‌نین به صورت فلس‌های کوچک و ظریف در الکل اتیلیک به دست می‌آید. در گرمای ۲۱۸-۲۱۹ درجه تجزیه می‌شود. اگر در الکل رقیق و یا در آب، تبلور حاصل کند، بایک سلکول آب تبلور، رنگ زرد و ظاهر منشوری شکل پیدا خواهد کرد. این ماده در گرمای ۲۱۶ درجه ذوب می‌شود و در آب و الکل محلول است.

تری‌استات آن، نیز به حالت متبلور به دست می‌آید و در گرمای ۱۹۵ تا ۱۹۶ درجه ذوب می‌شود.

ریشه این گیاه به مقدار ۵ تا ۸ گرم در روز به عنوان آرام کننده تب‌بر، رفع سرفه و خلط‌آور در سرماخوردگی‌هایی که با تب و سردرد همراه است بکار می‌رود. در درمان برونشیت و آسم نیز مؤثر واقع می‌شود (Chinese herbs, p. 200). در ایران نمی‌روید.

Peucedanum sativum Benth. Hook. f.

Pastinaca sativa L.

فرانسه: Grand chervis ، Panais cultivé ، Pastensille ، Pasténade

انگلیسی: Parsnip، Common parsnip، Cow-caker ایتالیائی: Pastinaca

عربی: جوز ایض

گیاهی دو ساله و دارای انواع وحشی و پرورش یافته، با ظاهر نسبتاً یکسان است. نوع وحشی آن که در دشتهای خشک، زمین‌های بایر و کنار جاده‌ها می‌روید، ریشه ضخیم و

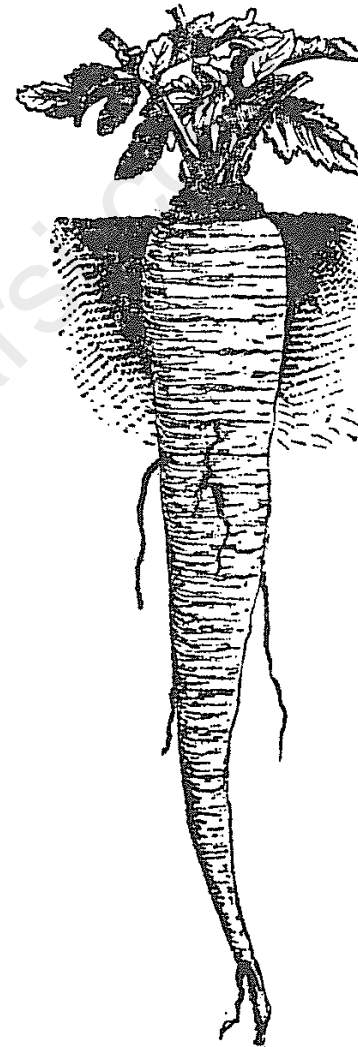
معطر مانند نوع پرورش یافته دارد. گلپای هردو نوع آنها به رنگ زرد است. در اروپا و آسیا، مانند قفقاز و سیبری می‌روید بعلاوه در بعضی نواحی مخصوصاً در آمریکا به صورت بومی یابند.

خودرو در آمده است. گیاه اصلی از چند نژاد و فرم، با ظاهر کم و بیش متفاوت از یکدیگر تشکیل می‌یابد.

قسمت مورد استفاده گیاه، ریشه و سیوه آن است.

ترکیبات شیمیائی - از تقطیر ریشه تازه گیاه، اسانس به رنگ زرد و معادل ۰.۳ درصد بدست می‌آید. ریشه گیاه بعلاوه دارای کمی ماده روغنی مرکب از ۴ درصد اسید پتروسه لینیک (ac. petroselinique) ۳۲ درصد اسید اولئیک، ۲۱ درصد اسید لینولیک و تقریباً یک درصد اسید پالمیتیک (Hilditch و Christian) در سال ۱۹۲۷) است. دانه گیاه دارای اسانس مخصوصی معادل ۰.۱ تا ۰.۲ درصد، همراه با اسید کاپرونیک (ac. capronique) می‌باشد. ماده‌ای نیز به نام هراکلین (héracline) از سیوه این گیاه، قبل از رسیدن، توسط Gutzeit در سال ۱۸۷۳ بدست آمده است.

خواص درمانی - گیاه پرورش یافته، اثر، مدره، اشتها آور، کم‌ویش، محرک، تب‌بر و آرام‌کننده دارد. ریشه متورم نوع وحشی گیاه دارای اثر سمی است. از نظر ارزش غذایی، ریشه نوع پرورش یافته که خوراکی است در حد واسط سیب زمینی و شلغم جای دارد. باید توجه داشت که ریشه متورم گیاه بر اثر سن شدن، دارای الیاف فیبری گردد و ارزش غذایی آن کاسته می‌شود و یا تقریباً از بین



ش ۱۶۱ - *P. sativum* :
ریشه و برگهای قاعده ساقه

می‌رود. تجزیه‌های شیمیائی نشان داده است که هر ۱۰۰ قسمت ریشه تازه دارای ۸۳ درصد آب، ۴.۲۳ درصد مواد هیدروکربنه، ۱۱.۴۷ درصد مواد ازته، ۱.۱۴ درصد اسلح مختلف و ۰.۴۸ درصد مواد چرب است.

اطبای قدیم مانند *Césalpine*، برای بیماران خود پس از برخاستن از یک بیماری و یا به منظور تجدید قوای بیماران، پوره حاصل از ریشه پخته شده گیاه را مخلوط با شکر تجویز می‌نمودند بعلاوه چنین بنظر می‌رسد که ریشه پخته شده گیاه در شیر، غذای مناسبی برای بیماران سسلول و افراد مبتلا به ضعف مغز باشد. برای این منظور جوشانده ۰.۴ در هزار برای مصارف درمانی تهیه می‌شده است. سیوه این گیاه به طوریکه در مقالات علمی جدید اظهار نظر شده، به علت دارا بودن نوعی ماده مؤثر (*Furocoumarine*)، اثرات توام، ضد تشنج، کند کردن حرکات قلب (*brachycardie*)، کم‌کننده فشار خون، بازکننده (اتساع) شریان‌های قلب، (*Vaso-dilat.*) دارد و در ردیف داروهای مفید در درمان آنژین صدری (آنژین دوپواترین) جای داده شده است (۱).

در طب عوام برای ریشه گیاه و یا تنظورالکلی آن، اثر مقوی معده قائل‌اند. گرد ۲-۳ گرم ریشه و یا دم کرده ۸-۱۲ گرم آن در شراب، سابقاً جهت درمان تبهای نویه بکار می‌رفته است. بعلاوه آنرا در دفع سنگ مثانه و درمان ناراحتی‌های این عضو مؤثر می‌دانسته‌اند.

در آثار *B. Pater* (در سال ۱۹۲۸ میلادی)، مصرف تیزان حاصل از ساقه، برگ و گلپای گیاه جهت رفع بی‌اشتهائی، درمان درد معده، ورم کلیه، عدم دفع ادرار یا اشکال دفع آن، بیخوابی، سردرد، سردگی، درد گلو، نزله مثانه، دردهای روماتیسمی و دردهای ناشی از سنگ کلیه توصیه گردیده است. از کلیه قسمت‌های گیاه نیز به عنوان مسکن درد دندان استفاده بعمل می‌آمده است. در ایرلند از تخمیر جوشانده ریشه گیاه، نوعی آبجو تهیه می‌شود. دانه گیاه اگر به مصارف تغذیه‌گاو برسد، کیفیت و کمیت شیر را افزایش می‌دهد، بدون آنکه طعم و مزه شیر را عوض کند. پرورش می‌یابد.

Peucedanum angelica Caruel* ، *Angelica sylvestris* L. گیاهی علنی و

دارای ارتفاع و ظاهری شبیه آنژلیک افی‌سنیال است. از مشخصات آن که بهترین وسیله تشخیص گیاه از آنژلیک افی‌سنیال می‌باشد آن است که اولاً بوئی ضعیف‌تر از گیاه اخیر دارد و ثانیاً گلپای آن به رنگ سفید یا صورتی است. گل‌آذین آن دارای حالتی کم‌ویش افتاده و مرکب از شعاع‌های پوشیده از کرک است.

زنبور عسل از ماده قندی گل‌های فراوان آن استفاده می‌کند و به سمت آنها جلب می‌گردد
خواص در سانی - قسمتهای مختلف این گیاه، خاصیت درمانی مشابه آنزلیک افی سینال،
 ولی با اثری ضعیف‌تر دارد. دارای خاصیت نیرو دهنده اعمال هضم و تنفس است. در بیماریهای
 مختلف مانند هیستری، ضعف اعصاب، تشنج و آسم، نتایج نیکو می‌دهد.

صور داروئی - دم کرده ۸ تا ۱ گرم ریشه در ۱۰۰ فنجان آب (بدن دم کردن ۵ دقیقه)
 به مقدار نصف فنجان و سه مرتبه در روز - گرد ریشه به مقدار نصف قاشق قهوه خوری و ۲ یا ۳
 مرتبه در روز - تنطور به مقدار ۱ تا ۲ قطره و چند مرتبه در روز.

باید توجه داشت که اولاً گرد ریشه این گیاه اثری قطعی‌تر از دم کرده آن دارد و ثانیاً
 تنطور آن به روشی مشابه تنطور آنزلیک افی سینال تهیه می‌شود.
 در ایران نمی‌روید.

برای **Malabaila Secacul Boiss** (۱)، اثر مقوی بقاء در کتب داروئی ذکر شده است.
 یک گونه فرعی از آن به نام subsp. Secacul در فاصله قزوین و تهران، شمال ایران، دباوند
 و شیراز؛ کوه برفی (فلور ایران) و منطقه وسیعی از ایران می‌روید.
 اعراب آنرا **شقاقل**، **جزراقلیطی** (Gazar Iqliti) و **جزربری** می‌نامند.

* **Laserpitium Siler L.**

Siler montanum Crantz.

فرانسه: *Passé-médecin*، *Seseli des pharmaciens*، *Sermontain*؛

آلمانی: *Bergkummel* ایتالیائی: *Sermontana* عربی: *لاسرپیتم* (Laserbyttum)

گیاهی علنی، کوهستانی، پایا، زیبا، عاری از تار و دارای بوی بسیار معطر است. برگهای
 بزرگ، مثلث شکل، منقسم به قطعات بسیار زیاد و برگچه مانند دارد. هر یک از برگچه های آن،
 به درازای ۲-۷ سانتیمتر و به پهنای ۳ تا ۵ میلیمتر می‌رسد و عموماً نیز، ضخیم و به رنگ سبز -
 مایل به آبی می‌باشند. برگهای بزرگ گیاه معمولاً در سطح تخت سنگهای کوهستان، حالت گسترده
 در جهت تابش نور خورشید پیدا می‌کنند. در محل کم درخت جنگلها نیز تا ارتفاعات ۲۰۰۰
 متری پیش می‌رود. گل‌های سفید یا مایل به صورتی آن، در راس چترهای بزرگ، در ماههای تیر
 و مرداد ظاهر می‌شود و در پایان تبدیل به میوه‌هایی به درازای یک سانتیمتر می‌گردد. زمین مناسب

۱- **Malabaila Sekakul**، در کتاب داروئی **Reutter**، به نام گیاه‌شناسی مشهور به نام **Russow**
 وارد گردیده است.

برای رشد گیاه، اراضی غیر آهکی است. در غالب کوهستانهای جنوب اروپا پراکنده می‌گردد.
 در ایران نمی‌روید.

ریشه اش طعم تلخ و تند دارد و از میوه اش، بوی مشابه بوی میوه گشنیز استشمام می‌گردد.



ش ۱۶۰ - **Laserpitium Siber**: شاخه گلدار - میوه
 ۲ - **latifolium** - برگ (Fournier P.)

قسمت مورد استفاده این گیاه بیشتر میوه آن است.

ترکیبات شیمیائی - میوه گیاه دارای اسانس، ماده روغنی، الیون، اکسالات سدیم
 و غیره است.

خواص درمانی - سیوه گیاه دارای اثر مدر ، قاعده آور و مقوی است. در رفع نفخ ، دل پیچه و دردهای معدی ناشی از آن، اثر قاطع نشان می دهد. در نواحی محل رویش، برای سیوه گیاه اثری همانند اثر سیوه انیس و رازیانه قائل اند و از آن برای مصارف درمانی مشابه استفاده به عمل می آورند.

با تقطیر دانه گیاه (سیوه)، اسانسی بدرنگ آبی و بسیار معطر به دست می آورند. جویدن دانه و ریشه گیاه، جهت رفع درد دندان بین مردم معمول است (1).

Laserpitium latifolium L.، گیاهی علفی، بزرگ و دارای ساقه ای به ارتفاع یک تا یک و نیم متر است ولی در نواحی مساعد به ارتفاع بیش از آن و حتی دو متر نیز می رسد. در مناطق کم درخت کوهستانها و شیب اراضی سنگلاخی غالباً یافت می شود. مشروط بر آنکه نوع زمین محل رویش، آهکی، آفتاب گیر و نسبتاً گرم باشد. در چنین شرایطی، رشد گیاه بهتر و سریع تر انجام می گیرد. برگهای آن شبیه برگهای آنژلیک یعنی *Archangelica officinalis Hoffm.* است که بین مردم و داروخانه ها به آنژلیک (*Angélique*) موسوم می باشد. گل آذین چتر مرکب دارد ضمناً در پایه های چترهای اصلی و فرعی گیاه، برگه های مشخص (براکنه و براکتول) دیده می شود.

سیوه اش دارای ۸ بال برابر یکدیگر است (اختلاف با آنژلیک که در آن، بال های سیوه وضع نابرابر دارد). در جنوب فرانسه ندرتاً بدان برخورد می شود. دارای پراکندگی گسترده در مناطق کوهستانی نواحی مرکزی و شرقی اروپاست.

قسمت مورد استفاده گیاه، میوه و گاهی ریشه های آنست.

ترکیبات شیمیائی - ریشه گیاه دارای یک ماده تلخ قابل تبلور به نام **لازرپی تین** *laserpitine* است که بر اثر صابونی شدن مبدل به اسید آنژلیک *acide angélique* و **لازروول** *laserol* می شود.

لازرپی تین *Laserpitine*، به فرمول $C_{25}H_{38}O_7$ و به وزن ملکولی ۴۵۰.۵۵ است. در ریشه گیاه مذکور یافت می شود و از آن توسط محققین مختلف استخراج شده است (2). فرمول منبسط آن توسط *Holub* و همکارانش (در سال ۱۹۶۵) تعیین گردیده است. **لازرپی تین**، به حالت متبلور به دست می آید. در گرمای ۱۱۸ درجه ذوب می شود. عملاً

1 - *Plantes médicinales et vénéneuses de France*, Vol. II, pp. 319 - 92, - (1947 - 48).

2 - *Külz, Arch. Pharm.* 221, 161 (1883).

در آب غیر محلول است ولی در الکل، کلروفرم، اتر، اتر دیویتال و روغن های چرب حل می گردد. مردم یونان، از آن (سیوه گیاه)، برای معطر و مطبوع ساختن طعم اغذیه و به عنوان چاشنی، استفاده به عمل می آورده اند.

خواص درمانی - از قسمت های مورد استفاده گیاه یعنی سیوه آن، سابقاً به علت دارا بودن اثرات درمانی مدر، مقوی، مقوی معده، قاعده آور و ضد التهاب استفاده فراوان می نمودند.

ریشه گیاه، شیره شیرین رنگ، معطر، تلخ و تند و اثر سهلی قوی دارد (*Peyrithic* در سال ۱۸۰۰). سیوه اش معطر و عضو مهم گیاه برای درمان بیماریهای مختلف است. در ایران نمی روید.

L. pruthenicum L. - گیاهی است علفی که معمولاً در دشت ها، نواحی مردابی، مناطق کم درخت جنگلها و زمین های رستی سیلیسی می روید. از نظر درمانی اثر مدر، مقوی - معده و رفع التهاب دارد و به مصارف درمانی مختلف می رسد.

L. Gallicum L. - گیاهی است علفی که به خلاف نوع قبلی، غالباً در نواحی بایر، اراضی سنگلاخی و آهکی می روید. در نواحی مختلف اروپا پراکندگی دارد. وسعت انتشار آن بیشتر در بورگونی *Bourgogne*، آلپ و پیرنه است. از نظر درمانی دارای اثراتی مشابه گیاه قبلی می باشد.

هیچیک از چهار گیاه مذکور در ایران نمی رویند (فلور ایران).

Selinum monieri L.، *Athamanta sinensis L.* - گیاهی علفی، یکساله و دارای ساقه ای به ارتفاع ۰.۴ - ۰.۸ سانتیمتر است. برگهائی با بریدگیهای مضاعف، نوک تیز و گلنهایی فشرده بهم و به رنگ سبز دارد. در چین، ویتنام، لائوس، سیبری و نواحی شرقی اروپا می روید. میوه ای به رنگ خاکستری دارد. طعم آن تلخ و دارای ۳ درصد اسانس مرکب از زینین، بورنئول، کامفن و ترپینئول است.

از سیوه اش به عنوان نیرو دهنده، مقوی باء، ضد رساتیسیم و رفع ناراحتی های کلیه استفاده می شود. مقدار مصرف روزانه آن، ۵ تا ۱ گرم در روز است. در استعمال خارج به عنوان التیام دهنده زخم و جراحات و درمان بواسیر مصرف می شود (*Chinese herbs*, p. 202).

در ایران نمی روید.

Siler divaricatum Benth. et Hook. - گیاهی علفی، پایا، به ارتفاع ۰.۳ - ۰.۴ سانتیمتر و دارای برگهای منقسم به بریدگیهای باریک، دراز و دنداندار است. گلنهای مجتمع به صورت گل آذین چتر مرکب و میوه ای کوچک و باریک دارد. در ژاپن و شمال چین پراکنده

است ولی در ایران نمی‌روید. قسمت مورد استفاده گیاه از نظر درمانی ریشه آن است که رنگ قهوه‌ای مایل به زرد و طعمی شیرین و معطر دارد. به‌عنوان تب‌بر و آرام‌کننده به مقدار ۴-۷ گرم در روز مصرف می‌شود.

Nothospermum japonicum Miq. گیاهی علفی، چندساله و مخصوص نواحی کوهستانی است. ارتفاع ساقه آن به ۳۰ سانتیمتر می‌رسد. برگهای بیضوی دراز با تقسیمات دندانهای مضاعف در قاعده ساقه ولی به ابعاد کوچک دنداندار در قسمت‌های فوقانی ساقه دارد. گل‌های آن سفیدرنگ و مجتمع به صورت گل‌آذین چتری و میوه آن کوچک و به رنگ قهوه‌ای تیره است.

ریشه‌اش دارای طعم تلخ و تند، محتوی نوعی اسانس به مقدار ۱-۳ درصد و دارای مصارف درمانی است.

از ریشه گیاه به‌عنوان آرام‌کننده درد، رفع تحریکات مغزی و همچنین ضد تشنج، به مقدار ۳-۵ گرم در روز استفاده به عمل می‌آید.

در ایران نمی‌روید.

Ammi Visnaga Lam.

Daucus Visnaga L. ، *Apium Visnaga* Crantz.

فرانسه : Carotte cure dent ، Herbe aux gencives ، Herbe aux cure - dents ؛
انگلیسی : Tooth - pick ، Pick - tooth ؛ آلمانی : Zahnstoeckkraut ؛ ایتالیایی : Bisnaga ؛
عربی : جزر شیطانی ، خله (Khillah)

گیاهی علفی، یکساله و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۸۰ سانتیمتر است. در سزارع، کنار جاده‌های کوهستانی، حاشیه جنگلها و زمین‌های ماسه‌ای سواحل دریاها می‌روید. پراکندگی آن در وسعت‌های پهناور ولی فاصله‌دار مانند منطقه مدیترانه، ایران و جزایر قناری است. برگ‌های با بریدگی‌های زیاد و ظاهر مشخص، به قطعات نازک و نخی شکل و گل‌هایی به رنگ سفید و مجتمع به صورت گل‌آذین چتر مرکب بزرگ دارد. چتر اصلی آن دارای شعاع‌های متعدد منتهی به دمیگل اصلی ضخیم است. از اختصاصات گل‌آذین این گیاه آن است که قاعده اشعه چتر اصلی آن، قبلاً دارای برجستگی می‌گردد و بعداً در طی نمو کامل گل‌آذین، ضخامت حاصل می‌کند و خاتماً نیز کلیه پایه‌های چتر اصلی، به سمت مرکز گل‌آذین جمع می‌شود.

رطوبت هوا در دور و نزدیک ساختن اشعه چتر اصلی مداخله کلی می‌نماید مانند آنکه

در هوای مرطوب پایه‌های اشعه چتر اصلی از هم دور میشوند و مجدداً پس از پیش آمدن هوای خشک، به سمت مرکز گل‌آذین جمع می‌گردند. میوه این گیاه دارای مصارف درمانی است.



ش ۱۶۳ - Ammi Visnaga : شاخه گلدار - ریشه

ترکیبات شیمیائی - از کلیه قسمت‌های گیاه بخصوصاً پایه‌های چتر آن، نوعی ماده رزینی به خارج ترشح می‌گردد. میوه آن دارای ماده مؤثری به نام *خل لین* یا *کل لین* Kelline ، اسانسی با اثر سمی ، *آتامانتین* athamantine ، ماده قابل تبلور به نام *ویسناژین* Visnagine (α ، β ، γ) ، *ویسنادین* visnadine ، نوعی ماده رزینی به نام *ویسناگول* ، visnagol (در ۱۹۸۱) و نوعی گلوکزید به نام khelloside یا khelloside و غیره است.

آتامانتین Athamantine ، ماده‌ای به فرمول $C_{24}H_{30}O_7$ و به وزن ملکولی ۴۳۰٫۴۸ است. از گیاهان زیر استخراج شده است :

- ۱- *Petroselinum oreoselinum* (L.) Moench. از تیره Umbelliferac
= *Athamanta oreoselinum* L.
- ۲- (1) *Ammi Visnaga* Lam.

آتامانتین، به صورت بلورهای ظریف سوزنی شکل در اثر دوپترول به دست می‌آید. نقطه ذوب آن در گرمای ۵۸-۶۰ درجه است. تقریباً در آب غیر محلول ولی در الکل، اتر و کلروفرم محلول می‌باشد.

فرمول گسترده آن توسط Halpern مشخص شده است (2).
نام عربی گیاه اول از ۲ نوع مذکور، کرفس الجبل است.

خلوزید khelloside (khellin یا khellol Glucoside) ، به فرمول $C_{19}H_{27}O_{10}$ و به وزن ملکولی ۴۰۸٫۳۵ است. سمیت کمتری از khelline دارد. از میوه (دانه) *Ammi Visnaga* Lam. (3) و همچنین از گیاه دیگری به نام *Eranthis hyemalis* L. (از تیره Ranunculaceae) به دست آمده است (4). سنتز آن نیز توسط Franchi و Fabbrini در سال ۱۹۵۹-۱۹۶۰ عملی شده است.

این گلوکزید، به حالت تبلور در اتانول به دست می‌آید. در گرمای ۱۷۹ درجه ذوب می‌شود. در اسید استیک و اتانول خیلی گرم به مقدار نسبتاً زیاد ولی در متانول خیلی گرم به مقادیر بسیار کم محلول است. در استن، استات اتیل، کلروفرم، اتر و قلیات سرد عملاً حل نمی‌شود.

دفع این گلوکزید پس از مصرف، سریع تراز khelline است. از نظر درمانی دارای خاصیت تقویت قلب و اثر قوی در باز کردن مجاری عروق قلبی (Dilatateur coronaire) می‌باشد. مقدار مصرف آن ابتدا ۶ ر. گرم و بعداً ۳ ر. گرم در ۳ مرتبه در ۲ ساعت برای اشخاص بالغ است.

- 1 - Schnederman, Winckler, Ann. 51, 315 (1884).
2 - Halpern et al., Helv. Chim. Acta 40, 758 (1957).
3 - Späth, Gruber, Ber. 74, 1549 (1941).
4 - Egger, Z. Naturforsch. 16B, 697 (1962).

خل لین (1) khelline (کلین kelling) ، ویسنامین visnamin ، آبی کاردین Ammicardine ، کلی کورین Kellicorin ، کورونین Coronin (...) ، به فرمول $C_{14}H_{14}O_6$ و به وزن ملکولی ۲۶۰٫۲۴ است. در میوه *Ammi Visnaga* Lam. یافت می‌شود. استخراج آن از گیاه مذکور و تعیین فرمول منبسط آن توسط Späth و Gruber (2) و سنتز آن توسط Baxter و همکارانش انجام گرفته است (3).

خل لین، به صورت گرد سفید رنگ یا تبلور و برنگ زرد روشن مایل به کرم (Crème) است. اشکال متفاوت تبلور آن، بستگی به روش تهیه و نوع حلال دارد. فاقد بو، دارای طعم تلخ و نقطه ذوب بین ۱۵۳ و ۱۵۵ است. در کلروفرم و اسید استیک گلاسیال حل می‌شود. در آب جوش به مقدار کم ولی در آب سرد بسیار جزئی محلول است. با اسیدهای معدنی، ترکیبات رنگی ایجاد می‌کند.

ویسناژین Visnagine (ویسناکورین Visnacorin) ، به فرمول $C_{13}H_{11}O_6$ و به وزن ملکولی ۲۳۰٫۲۱ است. به مقدار ۱ درصد نیز در میوه گیاه یافت می‌شود. استخراج و تعیین فرمول گسترده آن توسط Späth و Gruber (4) و سنتز آن توسط Aneja و همکارانش صورت گرفته است (5).

ویسناژین به صورت بلورهای نخ مانند و سوزنی شکل در آب به دست می‌آید. در گرمای ۱۴۲-۱۴۵ درجه ذوب می‌شود. در آب به مقدار بسیار کم، در الکل به مقادیر زیادتر ولی در کلروفرم به نسبت‌های خیلی زیاد حل می‌شود.

ویسنادین Visnadine (کاردین Cardine ، کاردوبن Cardoben) ، وی بلین Vibelline ، ویسنامین Visnamin) ، به فرمول $C_{17}H_{24}O_7$ و به وزن ملکولی ۳۸۸٫۴۰ است از *Ammi Visnaga* توسط Smith و همکارانش ، همچنین محققین دیگر استخراج شده است (6).

ویسنادین به صورت بلورهای سوزنی شکل در اثر دوپترول رقیق یا مخلوط اتر و هگزان

۱- چون نام عربی گیاه، خله Khillah است از این جهت بنظر می‌رسد که تلفظ صحیح آن و فرآورده‌های گیاه، خلین یا خلوزید و غیره باشد.

- 2 - Späth, Gruber, Ber. 71, 106 (1938)
3 - Baxter et al., J. Chem. Soc. (1949), S. 30.
4 - Späth, Gruber, Ber. 74, (1492) 1941.
5 - Aneja et al., Tetrahedron 3, 230 (1958).
6 - Smith et al., Science 115, 520 (1952).

(hexane) به دست می آید. در گرمای ۸۵ تا ۸۸ درجه ذوب می شود. در آب به مقدار جزئی ولی در اتانول و متانول بطور کامل محلول است. انحلال آن در کلروفرم، استن، اتر و بنزن، به مقادیر خیلی زیاد صورت می گیرد.

ویسنادین از نظر درمانی، اثر بازکننده مجرای شریانهای قلب (Vaso - dilat) را دارد.

خواص درمانی- سیوه این گیاه، مدتها در نواحی مختلف مشرق زمین، به صورت جوشانده جهت رفع سرفه و به عنوان مدر و ضد کرم مورد استفاده قرار می گرفته است. استفاده از آن در مصارف درمانی، تدریجاً در آمریکا و کشورهای اروپائی گسترش یافت زیرا بررسی های علمی دقیق، اثر بازکنندگی مجرای شریان های قلب را که پس از مصرف میوه گیاه ظاهر می شود تایید نمود که خود موجب گردید مورد استقبال فراوان قرارگیرد بطوریکه امروزه صدها تن از آن به مصارف درمانی میرسد (Dorvault).

خل لین Khelline که ماده مؤثر گیاه است، باز شدن سریع مجاری عروق قلبی را باعث می گردد. در درمان آنژین دوپواترین (angine de poitrine)، اثر ارزنده ظاهر می کند و چون بازکننده برونشها نیز می باشد، در معالجه آسم (asthme bronchique) و سیامسرفه مؤثر واقع می شود. از خل لین می توان جهت رفع اسپاسم کیسه صفرا، درد و قولنج های ناشی از التهاب کلیه (néphrite)، استفاده به عمل آورد.

خل لین را به علت سمیت کمی که دارد و بعلاوه در بدن نیز جمع نمی شود، می توان در ردیف داروهای پر ارزش در درمان بیماریهای مذکور جای داد فقط از معایب آن اینست که اثر ناپایدار دارد.

مشقتات متعددی از خل لین، با توجه به اثرات درمانی آنها مورد آزمایشهای فراوان و بررسی های علمی از سال ۱۹۵۰ به بعد قرار گرفته است.

از سیوه گیاه (دانه)، علاوه بر آنچه که ذکر شد، به عنوان اشتها آور و مدر نیز استفاده به عمل می آید. پزشکان عرب و مردم مشرق زمین برای آن اثر بازکننده قاعدگی، دفع سنگ کلیه و در استعمال خارج، اثر رفع ورم لثه و کرم خوردگی دندان، همچنین تسکین دردهای رماتیسمی قائل اند.

صور داروئی- دم کرده ۵ گرم سیوه در ۱۰۰ گرم آب، برای مصرف در ۲ یا ۳ دفعه در ۲ ساعت جوشانده ۱۰ درصد سیوه در استعمال خارج- دم کرده ۶۰ در هزار به صورت غرغره و حمام دهان.

از خل لین khelline، طبق کد کس ۱۹۷۶، به مقادیر زیر برای اشخاص بالغ و

کودکان باید استفاده به عمل آورد(۱): مقدار مصرف این ماده در اشخاص بالغ، ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ گرم در یک دفعه و ۳۰۰ گرم در ۲۴ ساعت است که تزریق درون عضله ای آن می تواند به صورت محلول های تزریقی محتوی ۵۰۰ تا ۲۰۰ گرم در یک دفعه و ۲۰۰ گرم در ۲۴ ساعت به کار رود. از معایب روش اخیر آنست که ممکن است این ماده در بدن جمع گردد. در کودکان تا یک سالگی نباید اصولاً مورد مصرف قرارگیرد و در اطفال بالاتر از ۳ سال، به مقدار ۵۰۰۰ گرم برحسب هر کیلوگرم وزن بدن در ۲۴ ساعت، می تواند مصرف شود. به حالت اخیر نیز ممکن است ماده مذکور در بدن جمع شود.

khelline را باید به حالت خالص یا لاقل با خلوصی معادل ۹۰ درصد به کار برد.

خل لین، اثر ضد تشنج نیز دارد و آنرا در درمان آنژین صدری، انفارکتوس میوکارد، اسپاسم های معده- روده ای و همچنین اسپاسم های ناشی از وجود سنگ و رسوبات ادراری، به صورت قرص های محتوی ۵۰۰ گرم و یا محلول های تزریقی به کار برد. محلول های تزریقی باید درون عضله ای باشد و بعلاوه طوری عیار شده باشد که هر میلی لیتر محلول، محتوی ۵۰۰ گرم از ماده مذکور باشد. از این محلول ها می توان بعنوان آنتی اسپاسمودیک، جهت رفع اسپاسم های برونش و مجاری ادرار استفاده کرد.

در بیماران مبتلا به سنگ های صفراوی، یک آمپول درون عضله ای، هنگام صبح و عصر به مدت ۱۰ روز می تواند تزریق شود.

از khelline، مخلوط با داروهای دیگر، جهت درمان سرفه های سرکش نیز به صورت شیاف و به شرح زیر استفاده درمانی به عمل می آورند.

۱- شیاف جهت رفع سرفه های سرکش

khelline	۰.۰۵ گرم
پرومتازین	۰.۲۵ گرم

مقادیر مذکور برای تهیه یک شیاف جهت اشخاص بالغ است. برای اطفال باید نصف مقادیر مذکور را به کار برد.

۲- نسخه جهت رفع سرفه های سرکش

khelline	۰.۰۵ گرم
pholcodine	۰.۲۰ گرم
پرومتازین prometazine	۰.۰۵ گرم

به صورت کپسول جهت رفع سرفه های مقاوم در اشخاص بالغ مصرف می شود.

Amikhelline (کلریدرات) ، یکی از مشتقات خل لین و به صورت بلورهای زرد-طلایی رنگ است. در گرمای ۲۳۸ درجه ذوب می شود. در آب به مقدار زیاد ولی در الکل به مقدار کم محلول است. این ماده از نظر درمائی دارای همان اثرات khelline می باشد. از محسنات آن اینست که سمیتی معادل ۷ برابر ضعیف تر دارد و بعلاوه دارای امتیاز محلول بودن در آب است.

محلول های تزریقی آن (درون عضله ای یا زیرجلدی) ، به مقدار ۱۰ . ر. تا ۲۰ . ر. گرم صورت می گیرد و برای این کار آمپول های ۲ سیلی لیتری محتوی ۰ . ۵ . ر. میلی گرم کلریدرات به کار می رود. از این آمپول ها می توان ۲ تا ۴ عدد، به صورت تزریقات زیرجلدی یا درون عضله ای استفاده کرد ولی در موارد لازم برای رفع قولنج ها و دردهای حاد کلیه و کبد می تواند به صورت درون وریدی تزریق شود (Dorvault, p. 825, 1982).

محل رویش - نواحی شمال ایران: گیلان: بین رشت و لوشان، رستم آباد (حاشیه رودخانه مشرف به سفید رود) (مؤلف - مرضیه ذاکری)، خوزستان، رامهرمز .

Ammi majus L.

فرانسه : Ammi commun انگلیسی : Bishop's Weed آلمانی : Grosser ammei
ایتالیائی : Ammi rizzomolo عربی : خله (Khellah) ، سدا ، خله شیطانیه
گیاهی علفی ، یکساله به ارتفاع ۸۰ سانتیمتر و دارای ظاهری شبیه هویج است ولی میوه آن به خلاف هویج از تارهای خمیده و قلاب مانند پوشیده نیست. برگهای قاعده آن سر کب از قطعات نوک تیز و دنداندار با پهنک مشخص ولی برگهای فوقانی آن شبیه گونه قبلی و منقسم به قطعات باریک، نازک و نخی شکل است. ظاهر گیاه، رنگ سبز سایل به آبی نشان می دهد. محل رویش آن نیز بیشتر در زمینهای ماسه ای و مزارع است. در شمال آفریقا، نواحی مختلف اروپا و آسیا می روید. میوه اش به رنگ سایل به قهوه ای، دارای ظاهر استوانه ای شکل و ماصارف درمائی است. وسعت پراکنندگی آن بیشتر در مصر، مخصوصاً در دلتای رود نیل است.

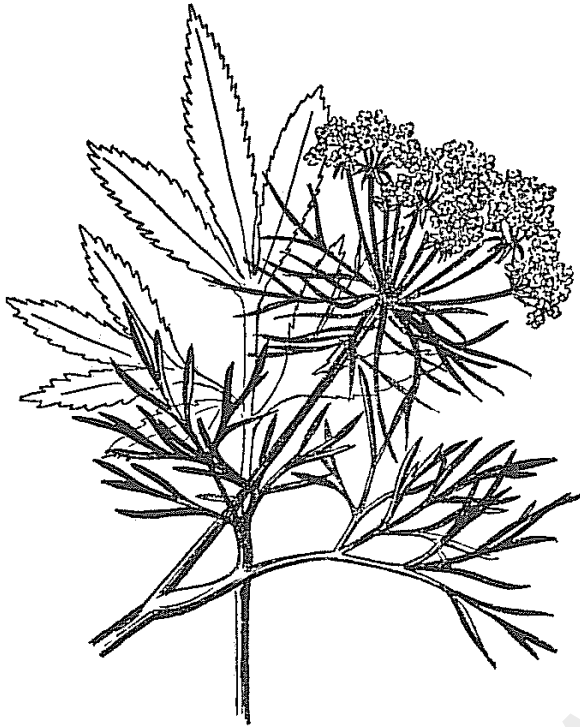
ترکیبات شیمیائی - میوه گیاه دارای ترکیباتی مانند آمونیدین ammoidine (متوکسالن Methoxsalen) ، آمیدین (امپراتورین Impérotine)، برگاپتن Bergaptène و غیره است (1, 2, 3).

1 - Fahmi, Abu - shady, Quart, J. Pharm. 1948, 21, 498.

2 - Martindale , pp. 497 - 500, 1982

3 - Recherche sur la zone aride - XIII, Pl. med. Unesco, 1960.

خواص درمائی - مقوی و هضم کننده غذا، مدر و یادشکن است. در سوء هضم ها، رفع نفخ ، به عنوان مدر و جهت تقویت عمومی مصرف می شود.



ش ۱۶۳ - Ammi majus : برگ و سرشاخه گلدار (۱/۴ طبیعی)

از گرد دانه (میوه) آن در مصر، برای درمان لک و پیس (Vitiligo) که با ظاهر شدن لکه های سفید و شیری رنگ در پوست با حاشیه پررنگ عارض می شود و از ماده مؤثر آن یعنی متوکسالن (آسونیدین) بسفطور فوق و موارد مشابه دیگر استفاده به عمل می آید.

صورت داروئی - دم کرده یک قاشق قهوه خوری از دانه گیاه در ۱۰۰ گرم آب مصرف در ۳ یا ۴ دفعه در روز.

متوکسالن Methoxsalene که مشخصات آن در سبخت Psoralea corylifolia Roxb.

(از پروانه‌واران) شرح داده شد، تشکیل پیگمان‌های رنگی ملانین (Melanine)^(۱) را در مقابل اشعه ماوراء بنفش زیاد می‌کند بعلاوه تحمل تابش نور خورشید را بر روی پوست بدن بالایی برد. از این ماده در درمان انواع از لک‌وپیس که خودبخود عارض می‌شود (Vitiligo) و همچنین درمان Leucoderme^(۲) استفاده به عمل می‌آید.

مقدار مصرف آن در درمان Vitiligo و در لکودرمی، ۲۰ میلی‌گرم به صورت مخلوط در شیر و یا ضمن غذا خوردن است که با بروز عوارض ناراحت کننده باید مصرف آن قطع شود. محلول یا لیزیمان متوکسالن (آسوتیدین)، به مقدار یک درصد تهیه می‌شود (محلول آن به صورت رقیق شده می‌تواند بکار رود) و برای مالیدن بر روی پوست بمنظور درمان Vitiligo است که در محل لک‌وپیس اثر داده می‌شود. مدتی پس از مالیدن آن بر روی پوست نیز باید پوست بدن در محل لک‌وپیس، در معرض نور خورشید و یا اشعه ماوراء بنفش (در آغاز بمدت ۳ تا ۶ ثانیه و تدریجاً بیشتر) قرار گیرد. اگر تا ۳ ماه پس از استفاده از محلول فوق هیچگونه تأثیری در درمان بیماری ظاهر نشود بکار بردن آن باید خودداری کرد (Martindale, 1982). باید توجه داشت که مصرف متوکسالن از راه خوردن، سمکست عوارضی نظیر تهوع، گاهی استفراغ، سردرد، خیز اندامها (Oedème)، خارش، تحریکات مغزی وغیره و از طریق مالیدن بر روی پوست، بروز تاول‌های جلدی و درماتیت بصور مختلف، ایجاد نماید که در حالت اول پس از پیدایش خیز اندامها و در حالت دوم (یعنی مالیدن بر روی پوست) پس از بروز تاول‌ها باید از بکار بردن آن خودداری به عمل آید.

محل رویش - شمال ایران: گرگان، علی‌آباد، بین‌گراگان و نوده در ارتفاع ۱۱۰ متری، گنبد کاووس، مغرب ایران: کرمانشاه، قصر شیرین، بختیاری، لرستان: شهبازان، پشت‌کوه، بهران، خوزستان: بین بهبهان و رامشیر در ۲۰۰ متری، ۱۲ کیلومتری مغرب بهبهان، نواحی-

۱- ملانین، پیگمان‌های رنگی تیره، به رنگ سیاه یا قهوه‌ای خرمائی است که در حالت طبیعی در اعضای مختلف بدن (مانند مشیمه چشم choroïde و پوست بدن که در آن، تحت اثر اشعه ماوراء بنفش افزایش می‌یابد...) و در حالت مرضی، در تومورهائی که تومورهای- ملانیک (T. mélaniques) نامیده می‌شود، یافت می‌گردد.

۲- لکودرمی (Leucoderme)، نوعی لک و پیس است که منحصراً به علت بی‌رنگ شدن قسمتی از پوست، به علت اختلال پیگمان‌های رنگی و در بیماری‌های منشأهای مختلف مانند جزام، سیفیلیس و اسکلودرمی پیش می‌آید. (Dict. méd. Garnier, Delamare, 1980).

شرقی هفت تپه، ۲ کیلومتری شمال اهواز، خلف‌آباد در بین اهواز و بهبهان در ۵۰ متری، سوزن نزدیک ایزه، باغ ملک. فارس: نزدیک برازجان، ۹ کیلومتری شمال کازرون در ارتفاع ۷۵ متری، جهرم، راهدار نزدیک دالکی، بوشهر. کرمان: سبزواران، میناب، کوه‌گرو در نزدیک آبگرم، ۱۰ کیلومتری شمال بندرعباس، بلوچستان: Bazman، تنگ سرهه، سرباز، پیس در ۱۱۰ متری، بشاگرد: Dauri.

Coriandrum sativum L.

فرانسه: Coriandre، Coriandre cultivée، Punaise Mâle، Mari de la Punaise
انگلیسی: Coriander، آلمانی: Koriander، Wanzendille، ایتالیایی: Coriandolo، Coriandro
فارسی: گشنیز، هیل‌دانه (نام دانه در رشت) - عربی: کزبره (Kozbarah) (Kezereh)
گیاهی علفی، بی‌کرک، به ارتفاع ۳ تا ۶ سانتیمتر و دارای ساقه راست، شفاف و کم و بیش شیاردار است. احتمالاً منشأ اصلی آنرا به نواحی جنوب غربی آسیا و مدیترانه نسبت می‌دهند ولی امروزه آنچنان توسعه و پراکندگی یافته که در نواحی مختلف آسیا، اروپا و حتی آمریکا یافت می‌شود و پرورش می‌یابد. برگ‌های آن بردو نوع متمایز یکی در قاعده و منقسم به قطعاتی بالوبهای کم عمق و دندانه‌دار و دیگری در طول ساقه و دارای پهنکی منقسم به رشته‌های باریک و نخی شکل است. گل‌هایی کوچک، ریز، به رنگ سفید یا صورتی و مجتمع به صورت چتر- مرکب دارد. چتر اصلی آن فاقد انولوکر ولی چترهای فرعی آن دارای زائده‌هائی در پایه خود است. مادگی آن شامل تخمدانی ۲ خانه و سیوه‌اش ۲ فندقه‌ای است.

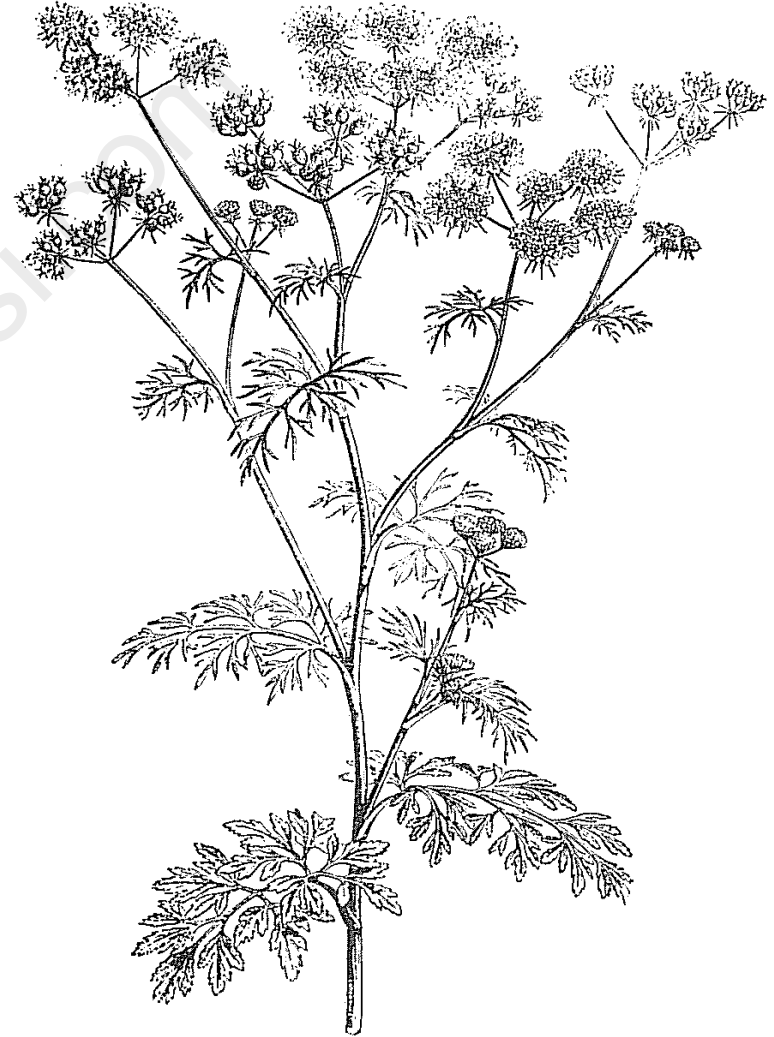
قسمت مورد استفاده گشنیز، سیوه آن است که بغلط، مانند سایر گیاهان این تیره، دانه خوانده می‌شود.

سیوه گشنیز مرکب از دو مریکارپ و دارای ظاهری تقریباً کروی است. از این نظر با سیوه سایر گیاهان دارویی این تیره که بدانها اشاره شده مشابهت ندارد. رنگ آن مایل به زرد، سطح آن عاری از تار و بوی آن در حالت تازه، نامطبوع و شبیه بوی ساس است ولی تدریجاً این بو از بین می‌رود و مطبوع می‌گردد.

شکل ظاهری سیوه، رنگ و مواد تشکیل دهنده آن بر حسب محل پرورش گیاه و نژادهای آن فرق می‌نماید.

ترکیبات شیمیائی- سیوه گشنیز دارای ۷ درصد آب، ۱۳ تا ۲ درصد مواد چرب (مرکب از گلیسریدهای اسید اولئیک، اسید پالمیتیک، اسید پتروسه‌لینیک، اسید لینولئیک)،

۱۶ تا ۱۸ درصد سواد پروتئیک، ۳۸ درصد سلولز، ۱۳ درصد سواد غیر ازته و ۸۰ درصد تا یک درصد اسانس است.



ش ۱۶۴ - Coriandrum sativum : سرشاخه گلدار و میوه‌دار
(اندازه طبیعی. Bail.)

خاکستر حاصل از سوختن آن، ۶۰ تا ۷۵ درصد وزن کلی میوه را تشکیل می‌دهد. مقدار کلی اسانس آن منحصرراً در انواع مرغوب میوه‌ها، به یک درصد ممکن است برسد. در بقیه انواع، مقدار آن همیشه کمتر است.

اسانس گشنیز، از میوه کامل گیاه بر اثر تقطیر با بخار آب حاصل می‌شود. از گرد میوه خیس - خورده در آب نیم گرم نیز برای این کار استفاده بعمل می‌آید.

اسانس گشنیز سایعی بیرنگ یا به رنگ زرد روشن، دکستروژیر و دارای وزن مخصوص ۰.۸۷۰ و ۰.۸۸۵ است. بوی قوی و معطر دارد با اسید سولفوریک به رنگ قرمز قهوه‌ای در می‌آید و در گرمای ۲ درجه، در ۳ برابر حجم خود الکل ۷ حل می‌شود و محلول زلال و صاف می‌دهد. در آب تقریباً غیر محلول ولی در الکل‌های قوی به مقادیر زیادتر حل می‌گردد. قابلیت انحلال آن در کلروفرم، اتر و اسید استیک گلاسیال، خیلی زیاد است.

اسانس گشنیز دارای ۷ تا ۹ درصد لینالول راست ((d-linalool) یا **کوریا اندرول** coriandrol، ۵ درصد پنین راست، لیمونن، ترپینن، میوسن Myrcene، فلاندرن و به مقادیر بسیار جزئی از ژرانیول، بورنئول، الدئید سیلیک ald. décylique و اترهای - لینالیتیکیك eth. linalitiques است.

ترکیب شیمیائی اسانسی که با میوه (دانه) تازه گیاه تهیه شده باشد با اسانس میوه خشک تفاوت دارد.

لینالول Linalol (linalool)، ماده اصلی بعضی اسانس هاست که به مقادیر مختلف در آنها یافت می‌شود. به فرمول $C_{11}H_{18}O$ و به وزن ملکولی ۱۵۴٫۲۴ است. از اسانس گیاهان مختلف منجمله انواع زیر استخراج شده است (1).

Burseraceae	Bursera delpechiana Poiss.	۱-
Anonaceae	— Caranga odorata Hook. et Thomas.	۲-
--	— Artabotrys odoratissimus R. Br.	۴-
--	— = Unona odoratissima Steud.	
Compositae	— Artemisia balchanorum	۳-

۵ - اسانس بهار نارنج، اسانس برگ‌سوت و غیره.

لینالول دارای فرم‌های دکستروژیر (راست گرد)، لوژیر (چپ گرد) و راسیمیک است. سنتز فرم راسیمیک آن توسط Ruzicka و Fornasir صورت گرفته است (2).

1 - Tiemann, Ber. 31, 808 (1898); Walbum, Stephan, ibid. 33, 2305 (1900).

2 - Ruzicka, Fornasir, Helv. Chim. Acta 2, 182 (1919).

لینالول چپ (لیکارئول licareol) ، به حالت مایع و بدون رنگ است. در آب حل نمی‌شود ولی با الکل و اتر قابلیت اختلاط دارد.

لینالول راست (کوری‌یاندرول Coriandrol) ، در ۱۰ حجم الکل ۵۰ درجه و ۴ حجم الکل ۶۰ درجه حل می‌شود.

لینالول راسیمیک (فرم dl) ، به وزن مخصوص ۸۶۵ ر. در گرمای ۱۵ درجه است. لینالول، در عطر سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از آن ، به جای اسانس برگاموت و اسانس لاواند فرانسه که بوئی معطر و بخصوص دارد استفاده به عمل می‌آید.

خواص درمانی - سیوه‌گشنیز دارای اثر درمانی مشابه سیوه‌انیس، رازیانه و زیره سیاه است و مانند آنها خاصیت نیرو دهنده، هضم کننده غذا، بادشکن، مدر، ضد تشنج و بطور ملایم قاعده آور، ضد صرع و ضد کرم دارد.

سیوه‌گشنیز در رفع بلع هوا (آئروفازی) مؤثر است.

مصرف سیوه‌گشنیز به عنوان مقوی معده و به منظور معطر ساختن بعضی از اغذیه و شیرینی، در خانواده‌ها معمول است. Dr. H. Leclerc ، مصرف آنرا در بیماریهای عفونی مختلف مانند تب تیفوئید، و بطور کلی بیماریهای مختلف منشاء کلی باسیل ها و تپهای دانه‌ای توصیه نموده است.

سیوه‌گشنیز در مواردی که سمومیت بر اثر پیدایش تخمیرهای عفونی در روده پیش می‌آید، به علت خاصیت ضدباکتری که دارد، اثر مفید ظاهر می‌کند.

در مصرف سیوه‌گشنیز همواره باید توجه داشت که زیاده از حد و بی‌رویه بکار نرود زیرا مصرف زیاد سیوه، اسانس سیوه و حتی شیره گیاه، نوعی سستی توأم با خستگی مفرط و منجر به خواب عمیق و حالاتی نظیر گنگمی و بی‌حسی پیش می‌آورد که ممکن است خاتماً منجر به ورم معده - روده، پیدایش خون در ادرار و نفرت حاد گردد.

تجربیات Meunier و Cadéac نشان داد که ۵ قطره اسانس گشنیز که معادل ۱۲ گرم سیوه گیاه است اگر صبح ناشتا مصرف گردد، منحصراً یک حالت تحریک در شخص بوجود می‌آورد که ۱۲ ساعت ادامه دارد بدون آنکه تشنج یا خواب پیش آورد.

مصرف زیاده از حد اسانس گشنیز، سریعاً حالت بی‌حسی کامل و ناراحتی‌های دیگر مانند عوارض مایه‌چه‌ای پیش می‌آورد.

اسانس گشنیز باید در شیشه‌های کاملاً در بسته ، در محل خنک و دور از نور و روشنایی

نگهداری شود.

صورت داروئی - سیوه‌گشنیز (دانه) معمولاً مخلوط با سیوه سایر گیاهان دیگر، به عنوان بادشکن مصرف می‌شود. گرد سیوه‌گشنیز به مقدار ۳ تا ۴ گرم مخلوط در عسل و یا دم کرده ۱۰ تا ۳۰ در هزار با افزودن مقداری قند بکار می‌رود.

از سیوه‌گشنیز، معمولاً تنطور $\frac{1}{8}$ نیز تهیه می‌شود که مقدار مصرف آن ۱۰ تا ۲ قطره مخلوط در یک تیزان، بعد از غذاست. سیوه‌گشنیز، در تهیه لیکورها و بعضی از فرآورده‌های داروئی مانند الکلی‌های ملیس که پوزه وارد می‌گردد.

باید توجه داشت که شکل ظاهری، رنگ و مقدار درصد اسانس سیوه‌گشنیز بر حسب نژادهای مختلف آن فرق می‌کند.

محل رویش - آذربایجان: تبریز، کرمانشاه، اطراف آبادان ، بلوچستان: سرپاز. جنوب غربی ایران، بوشهر و بزازجان، کرمان در ۲۰۰۰ متری، سرکز ایران: قرین، یزد : دره افشار در ۱۵ کیلومتری شیرکوه .

پرورش گشنیز در غالب نواحی ، به منظور استفاده از آن در تهیه اغذیه و شیرینی معمول است.

* *Aegopodium Podagraria* L.

فرانسه : Herbe au goutteux ، Pied de chèvre ، Podagraire ، Egopode

انگلیسی : Goutweed ، Herb gerard ، Bishop's weed ، Goat - weed

آلمانی : Podagra - Kraut ، Geissfuss ، Podagraria ، Egopode

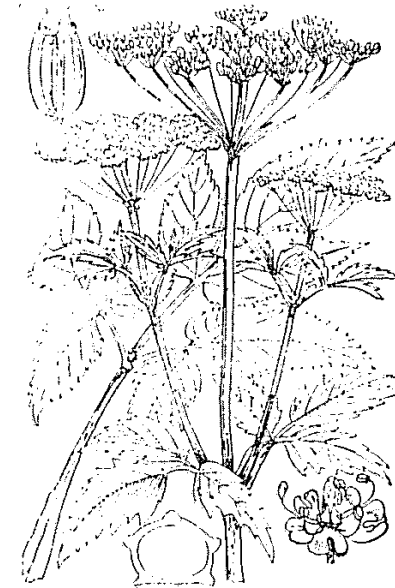
عربی : حشیشه المعزه (Hash. el m'zah) ، رجل المعزه (Rigl elm'zah)

گیاهی است علفی، چندساله و دارای ساقه شیاردار ، به ارتفاع ۵۰ ر. تا یکمتر که در جنگلها و دشت‌های مرطوب، باغها و حاشیه مزارع، مشروط بر آنکه جنس زمین آهکی باشد می‌روید. در اراضی سیلیسی اصولاً به آن برخورد نمی‌شود. پراکنندگی آن به نحوی است که در غالب نواحی معتدله اروپا و آسیا مشاهده می‌گردد ولی در منطقه مدیترانه ندرتاً یافت می‌شود. در ایران دیده نشده است (فلور ایران).

تشخیص آن از سایر انواع گیاهان این تیره به سهولت انجام می‌گیرد زیرا برگهای آن، سه‌قسمتی است و هر قسمت آن نیز از ۳ برگچه بیضوی نوک تیز و دندانه دار تشکیل می‌یابد، به طوریکه ظاهر کاملاً مشخص به گیاه می‌دهد. از ۳ برگچه مذکور، دوتای کناری آن، کوچکتر

از برگچه انتهائی است. برگهای واقع در قاعده ساقه گیاه، ۲ بار تقسیمات ۳ تائی پیدا می کنند. گل آذین چتر سر کب دارد. گل‌های آن سفید (بندرت صورتی) و پایه‌های چترهای اصلی و فرعی آن فاقد براکت‌ها و براکتول است. میوه‌اش بیضوی، به طول ۳ میلی‌متر و به ضخامت ۲ میلی‌متر است. از نظر ظاهر کلی، شباهت به میوه زیره سیاه دارد ولی بوی آنرا نمی دهد.

این گیاه به علت پاچوش‌های فراوانی که سریعاً در داخل خاک پیدا می کند، به سرعت تکثیر می یابد بطوریکه در مدت کوتاهی، تمام سطح محیط زندگی را در نواحی مساعد فرا می گیرد.



شکل ۱۶۵ : Aegopodium podagraria - سرشاخه گلدار، گل و میوه

(C. E. Zemlinsky)

نام Podagraria برای این گیاه از کلمه یونانی Padagara، به معنای نقرس پاها (goutte aux pieds)، مشتق گرفته است.

دانه این گیاه دارای اسانسی است که پس از استخراج، حالت مایع، رنگ سبز روشن، بوی مطبوع ولی طعم تند و سوزان دارد.

خواص درمانی - از سابقه درمانی این گیاه تا قرون وسطی، اطلاع دقیقی در دست نیست

ولی بنظر می رسد که نخستین بار در آلمان مورد استفاده درمانی قرار گرفته باشد. در بعضی از نواحی اروپای مرکزی و در روسیه آنرا به صورت خام و در سالاد مصرف می نمایند. از نظر درمانی، اثر نیرو دهنده، مدر، التیام دهنده و رفع ورم و التهاب دارد. سابقاً به مصارف درمان نقرس میرسیده است (علت وجه تسخیه گیاه) و آن نیز به علت تأثیری است که مصرف گیاه در ازدیاد ترشحات ادراری دارد.

برای درمان نقرس بیشتر از دانه گیاه استفاده بعمل می آمده است. اسروزله شده گیاه را بر روی ناحیه ملتهب و دردناک عضو در مابین و همچنین بر روی زخم و جراحات، جهت التیام آنها اثر می دهند.

فیتوتراپیست سوئسی به نام J. Kunzle در سال ۱۹۳۴، مصرف آنرا به عنوان یکی از بهترین ضدسم‌ها در مصارف داخلی و خارجی، جهت خنثی کردن سم حشرات گزنده و بیسمومیت‌های خونی و غیره توصیه کرده است. حیوانات، علاقه‌ای به مصرف آن ندارند. این گیاه در ایران نمی روید.

Ferula Assa-foetida L.

F. scorodisma Benth. et Trim. ، *Scorodisma foetidum* Bge.

فرانسه : Ase-fétide انگلیسی: Stinking assa آلمانی: Stinkender assand، Teufels treck، شجره ایتالیائی: Asa fetida عربی: انجدان (Angudân)، شجره الحائیت (Heltit...)، شجره ابو کبیر فارسی : آنغوره (نام گیاه مولد آن : خورا کما، آنگوزا کما ، کورن کما - Fl. Iran) گیاهی است علفی بزرگ، دارای ریشه راست، گوشتدار و نسبتاً ضخیم و ساقه‌ای قوی، خشن، فیبری و با ظاهر مشخص که در پنج سال اول منحصراً دارای تعدادی برگ واقع بر روی سطح زمین می گردد. تدریجاً از بین برگهای آن که عموماً ظاهری غبارآلود دارند، ساقه‌ای راست، تقریباً استوانه‌ای و گوشتدار خارج می شود که ارتفاعی متجاوز از ۲ تا ۳ متر پیدا نموده در انتها به مجموعه‌ای از گل‌های زرد رنگ و مجتمع به صورت گل آذین چتر سر کب ختم می شود. برگهای قاعده ساقه این گیاه، عموماً بزرگ، گوشتدار، به طول متوسط ۵ تا ۶ سانتیمتر، تقریباً عاری از دمبرگ و منقسم به قطعاتی با تقسیمات فرعی دندانه دار یا لوبدار است.

از مشخصات دیگر این گیاه آن است که بتفاوت دارای ۲ نوع گل، یکی نر - ماده و دیگری شامل یکی از اجزای اصلی (پرچم یا مادگی) است و این حالت نیز که بر اثر از بین رفتن پرچم یا مادگی در بعضی از گل‌های نر - ماده پیش می آید، باعث می گردد که گل‌های اخیر به دو صورت نر یا ماده در آیند.